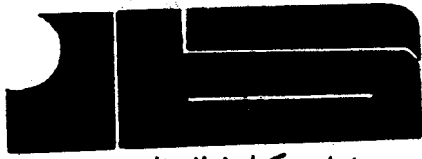


کارگران و زحمتکشان
متحد شوید



نابود باد امپریالیسم جهانی
بسرکردگی امپریالیسم آمریکا
وبایگانه دخیلیش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

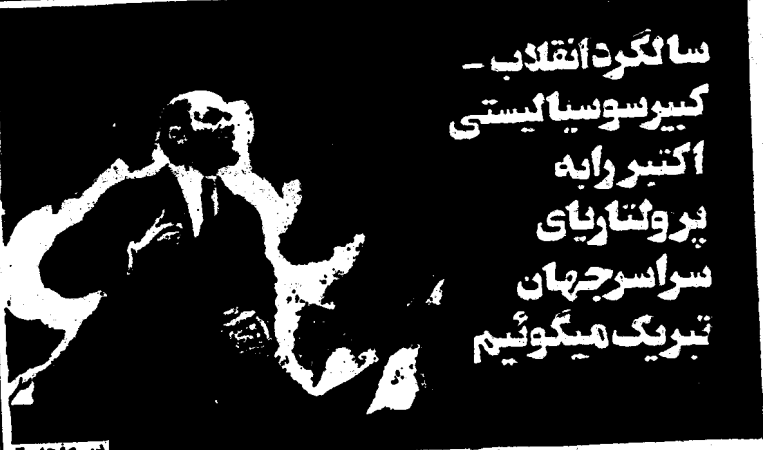
سال هفتم - شماره ۱۹۵

آبان ماه ۱۳۶۲

صفحه ۲۲

تراز نامه و رشک‌ستگی رژیم جمهوری اسلامی

رای اعتماد مجلس به کابینه موسوی قبل از هر چیز بیانگر به رسمیت شناختن اجباری موجودیت تفاهدهای درونی حکومت و بحران موجود از سوی هیات حاکمه بود. پس از یکدور کشاکش حاد بر سر تعیین نخست‌وزیر و هیات‌وزراء تا بهد همسان ترکیب کابینه قبلی با شنیراخی اندک، نمودی از بن بست قدرت و ناتوانی هیات حاکمه در حل تفاهدها و تثبیت خود نبود. جناحهای بورژوازی حاکم قبل از ناکام ماندن این دور از کشاکش‌ها مدعی بودند که برای حل بحران اقتصادی - سیاسی روی کار آمدن کابینه‌ای یکدست که مجری برنامه‌های مشخص - یعنی در حقیقت مجری برنامه یک جناح باشد، ضرورت تام دارد. اما تا بهد ۲۲ نفر از ۲۲ نفر روزی ۲



سازگود انقلاب - کبیر سوسیالیستی اکتبر رابه پرونتاریای سراسر جهان تویک هیگوئیم

در صفحه ۲

ارزیابی از وضعیت کنونی (گروه‌بندی‌های سیاسی)

تجارب گرانقدر مبارزه طبقاتی، بویژه پس از سال ۵۷ نشان داد که برسمیت شناختن طبقات و گروه‌بندی‌های طبقاتی و شناخت عام و مجرد از نقش و موقعیت طبقات در تحولات اجتماعی هنوز به معنای شناخت نقش و موقعیت نیروهای سیاسی و گروه‌بندی‌های سیاسی نیست. چه بسیار نیروهای بوده‌اند که خود را پیرو

سوسیالیسم علمی معرفی کرده‌اند، خود را مارکسیست - لنینیست خوانده‌اند و تحلیلهای خود را از تحولات عام اجتماعی ظاهراً بر مبنای نظریه مبارزه طبقاتی بنا نهاده‌اند اما در شناخت ماهیت و موضع طبقاتی نیروهای سیاسی و گروه‌بندی‌های سیاسی عاجز بوده‌اند. چه بسا گمان و نیروهای

بقیه در صفحه ۵

مجاهدین خلق پیوند خود را با ارتجاع منطقه مستحکمتر می‌کنند

در صفحه ۲

گرامی باد یاد فدائی شهید
رفیق منصور اسکندری

در صفحه ۲۲

جاودان باد خاطره
شهدای آبانماه سازمان

در صفحه ۲۲

کمیته کارخانه (۲) و مقابله دو خط مشی در جنبش کارگری

واقعیت بحران همه جانبه اقتصادی و سیاسی که هم اکنون در جامعه با آن روبه‌رو هستیم - بورژوازی نیز به آن اذعان دارند. این آنچنان مسلم و غیر قابل انکار است که

مکان به آن مسترند و ابعاد آن تا بدان حد است که حتی معائل و مطبوعات بورژوازی نیز به آن اذعان دارند. این بقیه در صفحه ۶

رهنمود به هواداران

در صفحه ۷

برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

ترازنامه و رشکستگی رژیم جمهوری اسلامی

سیستم اداری از هم پاشیده و ...
موسوی در این سخنرانی خواست تصویرسازی
از وضعیت اقتصادی در آغاز دوران
"خدمتگزارش" را ارائه دهد. اما در
حقیقت وی وضعیت کنونی جامعه را تصویر
کرده است.

موسوی پس از ترسیم وضعیت اسفناک
اقتصادی بعنوان نقطه آغاز حرکت گامینده،
با وقاحت تمام که خاص بران حکومت
ارتجاع است، از موفقیت های دولت در
قلبه بر آن وضعیت و پیشبرد اقتصاد در
تجاری خود گفتی "و" رونق "سخت
گفت. وی هر آنچه را که نشان داده
بحران اقتصادی است وارونه کرد و به
عنوان عملکرد موفقیت آمیز عنوان نمود.
او از موفقیت های دولت در افزایش تولید
ناخالص داخلی از کاهش نرخ تورم بخشیت
قیمتها و کاهش نقدینگی، از "اصوال
سیاستهای بودجه ای برای افزایش سهم
حایدات غیر نفتی و حرکت در جهت عادلانه
کردن توزیع در آمد به جهت مستقیمین"، از
ایجاد اختلال مولد "افزایش مالیاتها
از طریق اعمال سیاستهای صحیح" و ...
و بالاخره از کم کردن و حذف بوروکراسی
و شبهه برنامه بلندمدت و میان مدت سخن
گفت.

نخست وزیر در حالی عملکرد اقتصادی
دولت را موفقیت آمیز و رغابت بخشی
توصیف کرد که بحران اقتصادی سراپای
جامعه را در خود فرو برده است. نه
فقط آمارهای رسمی موجود، بلکه سخنان
جست و گریخته سران حکومت که بنا به
مطلحات سیاسی عنوان گردیده، خسود
نمایانگر هم بحران موجود و از هم
پاشیدگی سیستم اقتصادی است. درحالی
این دوره با مطلع موفقیت آمیز، عملکرد
اقتصادی دولت جز در جهت افزایش تورم،
و کود سبک کاری و در جهت توزیع نا عادلانه تر
درآمدها حتی با ملکهای بورژوازی همز
دیگری نبوده و نمیتوانست باشد. در تمام
این دوره، درآمدهای بودجه نه تنها
قابلیت تحقق نداشته و از اینرو برکسری
بوده و لذا بر تورم مداوم و آرزو
شده بلکه خط برآمدهای بودجه ای نیز
خود تورم را برده است. در تمام این
دوره هزینه های عمومی دستگاههای
بوروکراتیک - نظامی دولت نه تنها
جهت گیری کاهش یافته و در جهت

پیشنهادی موسوی از سوی مجلس، ملاً به
معنای برسمیت شناختن و سازش بر سر تداوم
بحران و فسادها از سوی جناحهای اصلی
حکومت در زمانی است که هیچکدام قدرت
قلبه بر دستگاه دولتی را نداشته و ریاست
جمهوری خامنه ای، نخست وزیر موسوی و
ترکیب گامینه، بر آینه سترون قدرت
هیأت حاکمه است. ترازنامه چهار سال
گفته خود معیار خروجی نه تنها گامینه
بلکه کل حکومت جمهوری اسلامی است.
ترازنامه چهار سال گذشته، ترازنامه
تداوم بحران اقتصادی - سیاسی و تحول
این بحران بوده است. در آنچه پیش
رژیم جمهوری اسلامی و گامینه ای جز اینکه
مجرى تداوم بحران و تشدید آن باشد،
نقش دیگری نمیتواند داشته باشد.
ترازنامه چهار سال گذشته آنچه نشان
فناخت بار بوده است که جز با خسرواری
از الفاظ میان تپی و آمارهای دروغین
حتی از طرف سران حکومت نظیر موسوی نیز
در مجمع عمومی قابل بیان نیست. بهینیم
موسوی این ترازنامه را چگونه بیان
میکند.

موسوی به هنگام معرفی اهداء گامینه ای
به مجلس عملکرد گامینه را در دوره چهار
سال گذشته موفقیت آمیز خواند و مدعی
شد که گامینه وی در شرایط جنگی خوانسته
است بر بسیاری از مشکلات اقتصادی و
سیاسی فائق آید. موسوی زمانه
بناوردهای مثبت گامینه را برج کشید که
حتی وضعیت وخامت بار اقتصادی طی چندین
سال گذشته بارها در همین مجلس مورد بحث
و گفتگو بوده است. اما موسوی گسه
نقش را در ارائه کارنامه های "درخان"
عملگردهای بی نظیر و ترسیم چشم اندازها
مطمئن و امید بخش از برنده، طبق معمول
۴ سال گذشته به ایفای نقش پرداخت و با
همان لاف زنی ها، وعده و وعده ها و ابراز
خوش بینی نسبت به آینده به اراضیه
ترازنامه و برنامه های آینده پرداخت.

ترازنامه ارائه شده از سوی موسوی
چه بود؟ موسوی گفت: "یک دوره چهار
ساله از فعالیت دولت خدمتگزار به پایان
رسیده و در آستانه دوره جدید قرار
داریم. سالهای از خدمت دولت گذشت
که بر ازدادش بود... کشور ملاً در
محاربه اقتصادی قرار داشت، تولید
ناخالص ملی روند منفی را دنبال میکرد.
کارخانه ها فلج و فروش نفت در پایینترین
سطح، نرخ تورم ۲۵٪ بود، کالاهای مورد
نیاز در جامعه کم، وضعیت ناآرامی فدا
بحرانی، سیاستهای اقتصادی نامشخص

رونق اقتصادی نبوده که خود در جهت
رشد بوروکراسی انگل و ایجاد اختلال
غیر مولد بوده است. حقیقت آن است
که عدم تحقق درآمدهای ارزی و مالیات،
کسر بودجه مستمر، افزایش هزینه های
دستگاههای بوروکراتیک و سیاستهای
اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی در جهت
افزایش بلاولفه قیمتها، رکود و سبک کاری
سر نموده است که همگی دال بر تداوم
بحران اقتصادی است.

در چنین شرایط اقتصادی بحث در بار
تعمیل بحران، اعمال سیاستهای اقتصادی
و برنامهای بلندمدت و میان مدت هیچ
معنای ندارد. این درست است گسه
نمایندگان بخشی از سرمایه که در گامینه
نیز حضور دارند بمنظور حفاظت از حریم
سرمایه و رفع موانعی که گردش سرمایه را
مغفل ساخت است. اتخاذ سیاستهای
اقتصادی را فروری میدادند. سیاستهای
که از آن طریق "امنیت سرمایه" به جامعه
باز گردانده شود، "پولهای سرگردان" در
امر تولید بکار روند، بر رکود قلبه شده
و نظام سرمایه داری از خطر خلائی نجات
یابد. اما این سیاستهای اقتصادی در
بستر بحران انضباطی موجود و در تلاقی
با سیاستهای متفاوتی که از سوی جناحهای
هیأت حاکمه به پیش برده می شود بی اثر
و فاقد کار آئی بوده است. اصمصال
تمامی سیاستهای اقتصادی از یکسو در
دالانهای تو در تو رژیم جمهوری
اسلامی به محل در آمدی برای خیل عظیم
انگلهای اجتمای تبدیل شده و از سوی
دیگر بر فقر و فلاکت و سه روزی شده ها
افزوده است. سیاستهای تعدیل بحران،
بدون اینکه توانایی تعدیل بحران را
داشته باشند فقط "پولهای سرگردان" را
متراکم تر کرده اند. سیاستهای اقتصادی
حالی و پولی طی چهار سال گذشته از قبیل
سهمیه بندی و توزیع کالاها، لغو سهمیه
افزایش مالیاتها، قوانین رنگارنگ کار
بمنظور تشدید بهره کشی از کارگران،
تشبیت دستمزدها و در واقع با توجه به
نرخ تورم کاهش دستمزدهای واقعی، تشبیر
در سیستم بانکی و استفاده از نرخ بهره
متخیر بجای نرخ بهره ثابت (با مطلع
حذف رما) قوانین حفاظت از منابع و ...
همگی قبل از اینکه اهرمهای برای قلبه
بر بحران اقتصادی باشند، اهرمهای
برای کسب در آمد، یعنی سود و چساول
و فارت بوده اند.

رژیم جمهوری اسلامی نمیتواند دارای
بفهره در صفحه ۱۵

بیش از هر عاملی چشم زحمتکشان جهان ر
بر واقعات موجود گشود و به عینه توده های
شتمندیده مشاهده کردند که چگونه دهها
میلیون نفر در راه شروتند و ترک کردن
گروهی از میلیونرها و احیان سرمایه در
جهان به کام مرگ درسی فلطند . بحسبان
اقتصادی و سیاسی تمامی زندگی اجتماعی
را فرا گرفت و تا شیرات هر چند متفاوتی در
کشورهای مختلف بر جای نهاد . اما تا شیرات
جنگ بیش از همه در روسیه به رشد جنبش
انقلابی توده ها باری رساند . روسیه طبقه
ضعیف زنجیر امپریالیسم بود . این بسدان
معنی بود که مجموعه عوامل معیش و ذهنی
و جهانی ، چنین شرایطی را در روسیه پدید
آورده بود .

انقلاب کبیر اکتبر در روسیه یعنی در
کشوری بوقوع پیوست که پرولتاریای این
کشور ، بزرگترین و عظیم ترین نیروهای
طبقاتی را طی چند دهه از سر گذرانده بود
و در انقلاب ۱۹۰۵ و نوامبر ۱۹۱۷ را پشت سر
شاده بود . انقلاب اول زمینهای انقلاب
دوم را پدید آورده بود . خرافات را از ذهن
میلیونها کارگر زوده بود و شور زندگی
سیاسی و مبارزه جوشی را در میان دهها
میلیون کارگر و دهقان روس برانگیخته بود
و سرکوب و خشیتها را انقلاب و سپس دوران رجوع
استولینینی و تشدید شکنجی بر علیه
توده ها ، هر چند با یک عقب نشینی توده ها
توام گشته بود . اما با تباری ارزنده
تیا جم بعدی شکل میگرفت و روسیه دوره
اعتدالی نویسی را می پیمود . جنبش
امپریالیستی و شکستهای متعاقب آن ،
پوسیدگی سلطنت تزاری را به مرغان ترین
شکل منجلی ساخت و این شکستها تمام ارگان
ستگاه دولتی کینه و پوسیده ای را که از
درون نیز در حال تلخی بود ، بیش از پیش
از هم پاشاند . بحران دیگر کشورهای
امپریالیستی نیز بر روی اقتصاد دورنگشته
روسیه تا شیرات خود را بر جای نهاد و سر
و غامت زندگی توده های مردم افزود . ایجاد
تاریخاتی های عمومی آنچنان گسترش
یافت که حتی به صفوف ارتش نیز رسوخ
کره و تا فرمانی در صفوف ارتش حاکمیت
متزلزل تزاری را بیش از پیش به لرزه
افکند . هر چند تا شیرات معنی ناشی از جنگ
بررسیاری از کشورها مشهود بود و موجب
تشدید و تسریع مبارزه طبقاتی پرولتاریا
گردید اما در روسیه هم بدلیل رشد فکری
طبقه در صفحه ۱۷



سازمان فدائیات
کمیته سوسیالیستی
انقلابی
بروالتاریای
سراسری جهان
تاریک استواری

محتوای عصری که آغاز شده بود ، عصر
امپریالیسم را عصر انقلابات پرولتاریا ، عصر
دیکتاتوری پرولتاریا ، عصر گسترش
از سرمایه داری به سوسیالیسم نام نهاد و
نقش و رسالت طبقه کارگر را در عصر
بین المللی بمثابة آن طبقه ای که میباشد
تحولات انقلابی را در مقیاس جهانی بفرجام
برساند ، به باورترین شکلی بیان کرد .
انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر ، تا شاید
درخشان بود بر صحت تحلیلها و
نتیجه گیریهای آموزگار کبیر پرولتاریا
لنین ، که فرارسیدن عصر جدیدی را اعلام
نموده بود که پرولتاریا میبایستی بسا
برپای انقلاب پرولتاری و در دست گرفتن
قدرت سیاسی ، جامعه نوین سوسیالیستی
را بنا کند .

لنین در برابر تمام اپورتونیستهای
انترناسیونال دوم اعلام کرد که پیروزی
بیک طبقه کبلی ارتجایی و یک مانع
اجتماعی - تاریخی تبدیل شده است و عصر
نویسی فرار شده که پرولتاریا بمثابة
محور انقلابی - تاریخی ، در او ایستادن
دوران قرار گرفته است و نتیجه میگردد که
همه شرایط برای انقلاب پرولتاری در مقیاس
جهانی فراهم گشته . و عصر انقلابات
پرولتاری آغاز شده است . لنین عصر
امپریالیسم را که همانا عصر انقلابات
پرولتاری و عصر گذار از سرمایه داری به
سوسیالیسم است ، عصر تمامی پرولتاریا
و پیروزیهای آن ، عصر از هم پاشیدگی
و سقوط امپریالیسم ، عصر جنگها و انقلابات
و عصر نهادهای شورائی معرفی میکرد . او
محتوای عصر جدید تاریخ جهانی را انشاء
سرمایه داری و برقراری شالوده های نظم
کمونستی اعلام نمود .
با آغاز نخستین جنگ جهانی
امپریالیستی ، بحران انقلابی در بسیاری
از کشورهای جهان بروز کرد زیرا که جنگ

مست و هفت سال از روزی که پرولتاریای
روسیه در هفتم نوامبر ۱۹۱۷ باقیام علیه
طبقات شکنج و ارتجایی ، قدرت را بدست
گرفت سپری گردید .
انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر
برجسته ترین نقطه عطف در سراسر تاریخ
بشریت و مهم ترین رویداد در تاریخ ماباره
طبقاتی شتمندگان علیه شکنجگران و
استعمارگران است که بیشتر عصر نویسی در
رهائی بشریت شتمندیده و استثمار شده از
بوغ شتم و استثمار بود .
انقلاب اکتبر در دورانی بوقوع پیوست
که سرمایه داری به عالیترین و بالا ترین
مدارج تکامل خود یعنی امپریالیسم رسیده
بود . پیروزی او به یک طبقه کبلی
ارتجایی تبدیل شده بود .

امپریالیسم در عین حال که عالیترین
مرحله تکامل سرمایه داری است ، در همان
چال بیانگر دوره گندیدگی ، طفیلیگری
و مرحله ای از بحرانها و تلاطمات ذاتی این
دوره از تکامل سرمایه داری نیز هست .
لنین با درک عمیق از ماهیت ارتجایی
امپریالیسم و رسالت تاریخی پرولتاریا
در این عصر در سال ۱۹۱۲ ویژگیهای عصر
جدیدی را که آغاز شده بود بر شمرد و چنین
فرموله کرد که عصر امپریالیسم ، عصر
گندیدگی و طفیلیگری سرمایه داری در عرصه
بین المللی است . این عصر با چنین ویژگیهای
جنگهای امپریالیستی را اجتناب ناپذیر
ساخته است و جنگهای امپریالیستی که خود
مصول بحرانهای اقتصادی - اجتماعی
است ، موجب رشد جنبش انقلابی کارگران
در بسیاری نقاط جهان خواهد بود . انقلاب
جهانی دامن خواهد زد و بنا به غلظت
نا بوزون تکامل اقتصادی و سیاسی ، در
ضعیف ترین طبقه زنجیره امپریالیسم
انقلاب بوقوع خواهد پیوست .
از اینرو لنین با درک عمیق از مفهوم و

زندگی با سوسیالیسم

مجاهدین خلق پیوند خود را با ارتجاع منطقه مستحکمتر می کنند

مجاهدین خلق که طی چند سال اخیر با سرعتی شگفت انگیز راه خیانت به خلق و پشت کردن به اهداف انقلاب و منافع زوده های مردم ایران را پیموده و آشکارا به دفاع از بورژوازی و نظم ارتجاعی - بوروکراتیک موجود برخاسته اند ، با گذشت روز ماهیت سر تا پا ارتجاعی سیاستهای خود را آشکارتر و هر چه تر از همیشه ستایش میگذارند و پیوند خود را با ارتجاع در مقیاس جهانی آشکار میسازند . ملاقات اخیر محمود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق با ملک حسین شاه اردن که در این مجموعه سیاستهای این سازمان امروزی جاری و طبعی محسوب می گردد و جزء تفکر و جدائی ناپذیر سیاست خارجی و مناسبات بین المللی این سازمان است . اما از این جهت که تجلی همه جانبداریهای سیاست خارجی و مناسبات بین المللی این سازمان درانطق کامل با سیاست داخلی این مجموعه محسوب میگردد ، و تلاش مجاهدین خلق را در جهت مستحکم تر نمودن پیوند خود با ارتجاع منطقه نشان میدهد ، ما شواهدی را در بررسی است . مجاهدین خلق در سیاست خارجی می بایستی تا بدانجا پیش روند که بین سیاست کاملاً با سیاست داخلی آنها تطبیق و هم آهنگ باشد ، چرا که اگر از یک دیدگاه علمی سئله را مورد بررسی قرار دهیم ، سیاست داخلی و خارجی هر دولت و یا سازمان سیاسی دو جزء لاینفک و جدائی ناپذیر محسوب می شوند که در کلیت خود متمکن کننده ماهیت طبقاتی آن سازمان با دولت می باشند . سیاست خارجی بسط و ادامه سیاست داخلی و انعکاس آن است در عرصه بین المللی و مناسبات با دیگر سازمانها ، دولتها و طبقات محسوب می گردد . از همین روست که یک - جنبهها سازمان سیاسی که از منافع یک طبقه انقلابی دفاع می کند و سیاست داخلی آن در عرصه بین المللی نیز این

سیاست را بسط و ادامه میدهد و منافع منافع طبقات بالنده و انقلابی در مقیاس جهانی می گردد ، اما آن دولت و یا سازمان سیاسی که مدافع منافع یک طبقه ارتجاعی و فدا انقلابی است و سیاست داخلی آن بر دفاع از منافع این طبقه منحصر است ، در عرصه بین المللی نیز مدافع منافع طبقات ارتجاعی و فدا انقلابی است . این خود توضیح دهنده سیاست خارجی کنونی مجاهدین خلق و بسط و توسعه مناسبات این سازمان با دولتها و احزاب و سازمانهای ارتجاعی در مقیاس بین المللی است .

مجاهدین خلق نمی توانستند با دولتهای امپریالیست ، سازمانها و احزاب وابسته به انحصارات بین المللی و سربرده ترین مزدوران امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه امثال شاه اردن نزدیکترین و صمیمانه ترین مناسبات را برقرار کنند ، اگر پشتوانه این سیاست خارجی ، یک سیاست داخلی ارتجاعی نبود ، اگر آنها مدافع منافع طبقه سرمایه دار و نظم پیوسیده ارتجاعی - بوروکراتیک موجود نمی بودند .

فی المثل هنگامیکه مجاهدین خلق در نخستین مراحل حیات سیاسی خود هنگامیکه هنوز به منقلب لیبرالیسم سقوط نکرده بودند ، با پای بندی به ضرورت تحولات انقلابی - دمکراتیک و فدا امپریالیستی در ایران ، از منافع زوده ها دفاع میکردند و در سیاست داخلی از یک خط مشی انقلابی پیروی می نمودند ، سیاست خارجی و مناسبات بین المللی آنها نیز از این خط مشی تبعیت میکرد . در آن ایستام مجاهدین خلق در سیاست داخلی ، مخالفت با نهادها و ارگانهای پیوسیده ، کهنه و ارتجاعی همچون ارتش و بوروکراسی و خواستار برافتادن سلطه امپریالیسم از ایران بودند . مجاهدین در آن ایستام ترس و وحشتی از سوسیالیسم نداشتند و حتی ابائی نداشتند که خود را مدافع سوسیالیسم معرفی کنند . سازمان مجاهدین خلق در آن ایام متحدین خود را در میان سازمانهای انقلابی ایران جستجو میکرد . ادامه این سیاست در عرصه بین المللی نیز خود را محوریت چنانستاری از نیروهای انقلاب جهانی نشان میداد . آنها در پی تحکیم مناسبات خود با دولتهای

احزاب ، سازمانها ، طبقات و جنبشهای انقلابی بودند . و علامه کلام اینکسسه در سیاست خارجی نیز همان سیاست داخلی را ادامه میدادند . اما اکنون که مجاهدین خلق مدعی است بطور کلی از خط مشی انقلابی روی برتافته اند ، با انجام تحولات انقلابی - دمکراتیک و فدا امپریالیستی در ایران بمخالفت برخاسته ، مدافع منافع بورژوازی و پاسدار نظم ارتجاعی - بوروکراتیک شده اند . آنان که اکنون از اینکه قدرت در دست خلق قرار گیرد ، واهه دارند ، خواستار بر جای ماندن نهادهای کهنه و پیوسیده و شکنجه دهندگان و آشکارا و بی پرده با سوسیالیسم و سازمانهای انقلابی و مترقی ایران دشمنی می ورزند ، در عرصه بین المللی نیز سیاستی دیگر را در پیش گرفته و سیاست خارجی آنها بعنوان بسط و ادامه این سیاست داخلی بر اتحاد و همکاری با فدا انقلاب جهانی و دشمنی با نیروهای انقلاب جهانی استوار شده است . سیاست داخلی کنونی مجاهدین خلق نیازمند اتحاد حمایت ، پشتیبانی و همبستگی با دولتهای سازمانها ، احزاب و طبقات فدا انقلابی و ارتجاعی است . از همین روست که مجاهدین خلق طی سه ، چهار سال اخیر گامهای جدی برای تحقق این سیاست به پیش برداشته اند و اکنون با بسیجی از دولتهای امپریالیست ، سازمانها و احزاب ارتجاعی و فدا انقلابی وابسته به انحصارات بین المللی و رژیمهای مترجم دست نشانده و وابسته به امپریالیسم در کشورهای تحت سلطه مناسبات نزدیک و حسته برقرار نموده اند . امروزه نزدیکترین متحدین سازمان مجاهدین خلق را در عرصه بین المللی ، امپریالیستهای فرانکوفونی ، انگلیسی ، آمریکایی ، همه احزاب محافظه کار لیبرال ، کلیه طبقات و نهادهای بین المللی ارتجاعی تشکیل میدهند . پس روشن می شود که این سیاست خارجی بسط و ادامه و نتیجه منطقی لیبلی سیاست داخلی مجاهدین خلق است که در کلیت خود از این سیاست داخلی تبعیت میکند و وابسته به آن است و در حقیقت ادامه و تکمیل آن محسوب می گردد .

مجاهدین خلق سیاست دوستی و اتحاد پیوسته در صفحه ۲۰

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است



ارزیابی از وضعیت کنونی (گروهبندهای سیاسی)

که حتی در تحلیل عام از طبقه‌های نیروهای طبقاتی، در تعیین خط و مرزها بین طبقات و ائتلاف‌ها، در تعیین مرحله انقلاب و گروهبندهای طبقاتی متخالف با آنچه متعین کننده واقعات عام و مجرد اجتماعی بوده‌اند، اما در هر گام عملی که از عام به خاص و از مجرد به مشخص بر ماخته‌اند فقط عدم شناخت واقعی و مشخص خود را از ماهیت و عملکرد طبقات به منته ظهور رسانده‌اند. اینان، در هر گام عملی در اینکه طبقات و گروهبندهای طبقاتی را از طریق شناختها و بنیاد سیاسی و گروهبندهای سیاسی با شناختها و به عبارت دیگر از طریق نیروهای سیاسی و گروهبندهای سیاسی موجوده طبقات و گروهبندهای طبقاتی پشت آن بی‌برند، بناخواه‌شان را آشکار کرده‌اند.

این دوران انقلابی، در هر برهه‌ای شاهد موارد متعددی از گنج سری نیروها در منطبق نمودن صحیح نیروهای سیاسی، بسط طبقاتی بوده‌است که واقعا نمایندگان و برآمده داشته‌اند. با رزقین نمونه این سر درگمی و آشفته فکری را می‌توان در مورد تعیین ماهیت حکومت جمهوری اسلامی و ماهیت طبقاتی جناح‌های اصلی آن مشاهده کرد. فقط کافی است که به مواضع گوناگون و گاه متخالف اعلام شده از سوی نیروهای سیاسی "مارکسیستی" در این مورد توجه کرد تا عمق آشفته فکری و غیربندی بودن آنچه که بهیچ بنظر می‌رسد روشن شود. پاسخهای متعدد و متنوع به ماهیت طبقاتی حکومت و جناح‌های اصلی آن همگی از سوی نیروهای بوده‌است که ظاهراً از یک متد دیالکتیکی برای تعیین ماهیت طبقاتی یک چریک‌ساز مشخص پیروی کرده‌اند، ظاهراً تمامی پاسخهای متعدد و متنوع بر مبنای تحلیل طبقاتی بنا گردیده‌است. و تمامی این پاسخها مربوط به یک مورد مشخص نبوده‌است. حاملین این پاسخهای گوناگون همگی در وجه عام و مجرد ساخت طبقاتی جامعه ایران داخذه‌اند، به مشخصات عام و مجرد طبقات آنها بوده‌اند. بورژوازی و طرده بورژوازی را بطور کلی و به یکسان (با خرابی به یکسان) تخریب و از هم متفک می‌کرده‌اند و این دو را به افسار

و لایه‌های متعدد منقسم می‌ساخته‌اند. ملک عام همگی حاملین پاسخهای گوناگون و بیاتریناً همگی آنها - ظاهراً - یکی بوده‌است. با این وجود یک ساله مشخصات ماهیت طبقاتی حکومت، و با ماهیت نیروهای سیاسی تشکیل دهنده آن پاسخهای متعدد و متنوعی دریافت داشته‌است.

تصور بی‌اطلاعی یک نیروی "مارکسیستی" از الفبای علم طبقات مشکل‌است. اما همانا بکرات مشاهده شده که یک نیروی "مارکسیستی" در ایفاده صحیح از الفبای علم طبقات در میدان عمل از حرکت باز ایستاده و متعطل گشته‌است. کسی که قواعد شنیدنی برای رایبانه، التزاماً شنیدنی نیست.

چرا انطباق یک نیروی سیاسی بسر آن طبقه و با تشر اجتماعی که نمایندگان را برآمده دارد همواره سهل و ساده نیست و در زمانهای خود به ساله گرهی جنبش میدانی شود؟

اصولاً و اساساً افشاشی که در شناخت ماهیت یک نیروی سیاسی بروز می‌کند، که در عدم تمایز دقیق ما بین جایگاه‌های اصلی نیروهای سیاسی متفاوت فیلسوف می‌یابد، که در گنجاندن نیروهای سیاسی اساساً متفاوت در یک گروهبندهای سیاسی - طبقاتی تجلی می‌یابد، مربوط به عدم شناخت علمی از طبقات و جایگاه‌شان در سازمان اجتماعی تولید در یک دوره تاریخی مشخص‌است. نتیجه یک چنین بدفهمی و عدم شناختی مستقیماً تخریب، خوان و رسالت طبقات را در یک دوره تاریخی از تحولات اجتماعی تیره و تاریخی گسترده الزاماً بر شناخت نیروهای سیاسی متخالف با هر طبقه ما می‌الکند. ملاحظاتی که در تعیین ماهیت طبقاتی حزب جمهوری اسلامی و رژیم جمهوری اسلامی پدید آمده و برای مدتی به یکی از مسائل مورد مشاجره "جنبش کمونیستی" تبدیل گشت را در نظر بگیرید. پاسخهای متعدد درباره ماهیت حزب و رژیم رایبانه آورید: بورژوازی، بورژوازی تجاری، خرده بورژوازی، خرده بورژوازی سنتی، لایه‌های فوقانی خرده بورژوازی سنتی، حاشیه نشینان شهری، کاست روحانی کاست حکومتی و غیره. تمامی این پاسخها فقط بیانگر این است که بین شناخت علمی و شناخت علمی از طبقات تفاوتی اساسی وجود دارد، که شناخت عام و مجرد از طبقات

برای بررسی ساختار طبقاتی یک جامعه مشخص و نیروهای سیاسی آن کفایت نمی‌کنند که تاریخی که از عملکرد سرمایه و حاملین این عملکرد (بورژوازی) شناخت علمی حاصل نشده باشد، تا زمانی که منتهای واقعی جایگاه گروههای اجتماعی بر منتهای اجتماعی آنها می‌تولید بدست می‌دهد. افشاشی در تعیین نیروهای سیاسی و گروهبندهای سیاسی امری اجتناب ناپذیر خواهد بود. این درست‌است که عدم شناخت علمی طبقات و نتیجتاً معرفت به نقش، خوان و رسالت طبقات در هر دوره از تحولات اجتماعی اس و اساساً آشفته فکری در تعیین گروهبندهای سیاسی است. اما ساله به همین جا خاتمه نمی‌پذیرد.

اما گروهبندهای سیاسی که جزء لاینفک گروهبندهای طبقاتی است تا حدودی و به نسبتی از آن مستقل است. رابطه بین این دو گروهبندهای یک رابطه ساده و مرحله اول نبوده و گروهبندهای سیاسی نیست بلکه گروهبندهای طبقاتی از استقلال نسبی برخوردار است. از اینرو درجه افشاشی در ارزیابی ماهیت نیروهای سیاسی و گروهبندهای سیاسی تا حدودی نیز بستگی به درجه استقلال نسبی نمایندگان سیاسی از طبقات و ائتلاف اجتماعی دارد. مشخصه نیروی نیروهای سیاسی و شرایط اجتماعی مشخص آن عوامل هستند که به استقلال نسبی نمایندگان سیاسی موجودیت می‌بخشند و درجه استقلال نسبی نمایندگان سیاسی را رقم می‌زنند. همین امر که نیروهای سیاسی در حوزه ذهنی طبقاتی بمثابة یک عینیت اجتماعی قرار دارند، خود به شناختی استقلال نسبی بالقوه نیروهای سیاسی که در شرایط اجتماعی متفاوت به درجات متفاوت می‌توانند بالفعل گردد را آشکار می‌سازد.

در ابتدای دوران انقلابی کنونی شرایط اجتماعی آنچنان زمینه‌ای را فراهم نموده بود که درجه بالایی از استقلال نسبی نیروهای سیاسی (ویژه آن دسته از نیروهای سیاسی جوان) را سبب شده بود. سلطه نسبتاً طولانی مدت دیکتاتوری همان گسسته بر جامعه، گسیختگی در مبارز سیاسی از طریق احزاب و گروههای سیاسی که مانع استقرار نیروهای سیاسی بمثابة یک نهاد اجتماعی شده بود و آن زمینه‌های بله در صحنه ۱۵

پیش‌بسیوی تشکیل حزب طبقه کارگر

کمیته کارخانه

مقایله دو خط مشی در جنبش کارگری

بحران اقتصادی و سیاسی که طی چندسال اخیر، پیوسته مداومت داشته و تعمیق یافته است محصول حدت بی سابقه تفادهای اجتماعی و گندیدگی نظم موجود است. ادامه این بحران و تعمیق روز افزون آن در عین حال که چاره ناپذیری حل این بحران را به شیوه های ارتجاعی - بوروکراتیک و در چارچوب نظم موجود نشان میدهد، لزوم حل این بحران را به شیوه ای انقلابی بیشتر آشکار میسازد. رشد مداوم ناراضیاتی بوده ها و اعتلا جنبش شونده ای علیه رژیم سرکوبشده ای عنان گسیخته که با حدت های تفادهای درونی هیئت حاکمه و بروز یک شکاف و بحران در میان طبقات حاکمه همراه بوده است، همگی بیانگر این واقعیت اند که بحران انقلابی موجود، راه حل خود را در تغییر و تحولات ژرف میجوید. همه شواهد عینی موجود نشان میدهد که ما در یک دورانی انقلابی بسر میبریم و در جنبش دورانی طرح شمارهای بلاواسطه انقلابی و مبارزه برای سرنگونی فوری رژیم وظیفه هر نیروی انقلابی ست. اما در عین حال که ما در یک دوران انقلابی، یعنی دورانی بیداری و آگاهی شونده های مردم و روی آوری آنها به زندگی پرتکاپو و فعال سیاسی بسر میبریم، بحران اقتصادی و سیاسی موجود پیوسته ژرفتر میگردد و شکاف در درون هیئت حاکمه عمیقتر میگردد. در همان حال سیاست سرکوب عنان گسیخته رژیم و سرورسیم عربان که بویژه تاندنی پس از سال ۶۶ افشای موقت را در جنبش عمومی شونده ای و نیز جنبش طبقه کارگر پدید آورد، تاثیر خود را بر شکل مبارزات شونده ای و محدود کردن دامنه اعتلا جنبش بر جای گذاشته است. این امر هر چند پرتاکتیکهای روزمره ما تاثیر گذارده است، اما مادام که دورانی انقلابی و بحران انقلابی با برجاست نمی توانست در مشی تاکتیکی ما طی این دوران تاثیر بگذارد. بنابراین این سؤال پیش میآید که با توجه به مشخصه های دوران انقلابی کنونی، بحران انقلابی، و چشم انداز تحولات انقلابی و نیز سرکوب و اختناق عنان گسیخته رژیم که از دامنه اعتلا جنبش شونده ای گاشته است و در حالیکه طبقه کارگر ایران فاقد یک شکل پایدار غیر حزبی است، کدام شکل

سازماندهی موثرترین و مناسبترین شکل با محاسبه این مجموعه عوامل عینی، محسوب میگردد، و میتوان آنرا بشما به یک شمار عمل عنوان کرد. ما قبلاً اپورتونیستی بودن شعار اتحادیه را در وضعیت کنونی مورد بررسی قرار دادیم و نیز گفتیم که طرح شمار شورانیزبشما به یک شمار عمل تنها در یک موقعیت انقلابی و هنگامیکه طبقه کارگر وسیعاً به عرصه مبارزه فعال کشیده میشود و به امتصاب عمومی سیاسی روی می آورد، مجاز است و نه در شرایط کنونی که دامنه اعتلا هنوز محدود است.

بنابراین با در نظر گرفتن مجموعه شرایط آن شکلی لازم است که از یک سو منطبق بر دوران انقلابی کنونی و بحران انقلابی و وظایف این دوران باشد، و از سوی دیگر به وظایف و شمارهای که منطبق بر دامنه محدود اعتلا است پاسخ گوید. روشن است که چنین شکلی نمیتواند یک شکل پایدار باشد، بلکه یک شکل انتقالی و تحول پذیر است، که با قطعیت یافتن تحولات باید جای خود را به یک شکل پایدار بدهد. این شکل کمیته کارخانه است و شمار کمیته کارخانه یک شمار عمل محسوب میگردد. خصوصیت کمیته کارخانه در این است که تحت شرایط ویژه ای پدید میآید یعنی کمیته کارخانه نمیتواند در یک دوران با اصطلاح "سالمت" و رکود سیاسی که جامعه بایک بحران اقتصادی و سیاسی روبرو نیست شکل بگیرد، چرا که وظایفی که کمیته کارخانه در برابر خود قرار میدهد با خصوصیات و وظایف این دوران هیچ سازگاری ندارد. بلکه فقط در یک دوران انقلابی میتواند شکل بگیرد، اما برخلاف شورا که در یک مرحله همین از تکامل اعتلا جنبش در دوران انقلابی یعنی در موقعیت انقلابی شکل میگردد، کمیته کارخانه به لحاظ انعطاف پذیری و تحول پذیری خود میتواند حتی در مراحل اولیه دوران انقلابی، یعنی به هنگامیکه دامنه اعتلا هنوز محدود است، و بحران سیاسی سرحد کمال رشد و رسیدگی خود نرسیده است، نیز شکل بگیرد.

در شرایط کنونی که ما در آن بسر میبریم از یکسو نه رژیم جمهوری اسلامی چنین اجازه ای را به کارگران میدهد که

اتحادیه ها را ایجاد کنند، و نه با توجه به وظائف دوران انقلابی و بحران انقلابی، طرح شمار آزادی اتحادیه، بدون ربط و پیوند آن با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی مجاز می باشد و از سوی دیگر اعتلا جنبش هنوز به مرحله ای نرسیده است که بتوان شمار شورا را بعنوان یک شمار عمل مطرح ساخت. شمار ایجاد کمیته های کارخانه مناسبترین شمار عملی است. از این گذشته همانطور که میدانیم امروزه جمهوری اسلامی هرگونه شکل کارگری را منع کرده است و تنها در برابر کارگران شوراها را مجاز قرار داده است، اما میدانیم که این شوراها اکثراً از سوی کارگران تحریم شده اند، حتی راه کارگر و حزب کمونیست گومه نیز باین امر مترفند و میگویند "شوراها اسلامی در اکثر کارخانجات توسط کارگران تحریم شده اند". اما از آنجائیکه هرگز و در آینده مناسبات بورژوازی و مبارزه اقتصادی محدود کنند، هیچیک به نقش و اهمیت این تحریم نپرداخته اند. در حالیکه این تحریم که بازتاب سطح مبارزه سیاسی و آگاهی کارگران ایران است، دارای چنان اهمیتی است که باید آنرا امیلان جنگ آشکار کارگران به رژیم جمهوری اسلامی دانست، چرا که به قول لنینین "تحریم، اعلان جنگ آشکار علیه رژیم کهنه و حمله مستقیم به آن است" (علیه تحریم - لنینین)

این نیز خود اهمیت شکلی همچون کمیته کارخانه را در وضعیت موجود نشان میدهد. چرا که اعلان جنگ آشکار کارگران جمهوری اسلامی از طریق تحریم شوراها، اسلامی، اتحادیه را نسبی ظنید و با توجه به اینکه هنوز موقعیت انقلابی و فعالیت شدید کارگران وجود ندارد، شورا نیز نمیتواند پدید آید، اما کمیته کارخانه میتواند، با شکوی سطح کنونی مبارزه سیاسی و اقتصادی طبقه کسارگر، و درخواستهای این طبقه باشد. از همین روست که سازمان مابدرستی از مشها پیش بر ضرورت، نقش و اهمیت کمیته های کارخانه در وضعیت کنونی جنبش تاکتیک شده است. از جمله در مقاله ای تحت عنوان جنبش کارگری و وظائف ما گفته شده است:

"بنا به مجموعه شرایط حاکم بر ایران مهمترین شکل شکل، کمیته های کارخانه است. باید تلاش دامنه داری را بر سر



روشنفکران انقلاب

رفقا! امروز جامعه ما با شرایط بسیار خاص و بحرانی ای روبروست. بحران اقتصادی و سیاسی ای که تمام ارکان جامعه را فرا گرفته است بهیچ وجه زودتر می شود. فسادهای اجتماعی هر دم حادث می گردد و فشارهای بی حد و حصر اقتصادی و سیاسی، مداوم بر دامنه نارضایتی و اعتراضات می افزاید. مبارزه کارگران و زحمتکشان علیه نظم موجود، گسترش و اعتلاء می یابد. رژیم جمهوری اسلامی با بحرانها و فسادهای لاینفکی روبروست. تمام شواهد و حقایق حاکی از آن است که تحولات انقلابی اجتناب ناپذیر است و سرنگونی رژیم امری حتمی است.

چنین شرایطی وظایفی بسیار خطیر و سنگین بر دوش سازمان ما قرار داده است. ما میخواهیم مبارزه طبقه کارگر را علیه طبقات استثمارگر و ارتجاعی متشکل و رهبری کنیم. ما میخواهیم آگاهی طبقاتی را به میان کارگران ببریم. ما میخواهیم کارگران را به نیروی شکست طبقاتیشان آگاه سازیم، آنها را بیشتر از پیش آگاه سازیم تا این طبقه قادر باشد، رهبری مبارزات خود را در دست گیرد، انقلاب دمکراتیک را به سرانجام پیروزمندی برساند و تأسیساتی به هدف نهائی خود، که همان استقرار سوسیالیسم و کمونیسم است، پیش رود. این از یکسو. اما از سوی دیگر، درحالیکه جامعه ما با یک بحران همه جانبه روبروست و چشم انداز یک قیام مجدد توده های در برابر ما قرار دارد، رژیم جمهوری اسلامی با توسل به دیکتاتوری عربان و همان گسیخته، سرکوب دیوانه وار و اختناق هولناک بدر تلاش است تا بر سر راه اعتلاء دم الفزون جنبش توده های موافقی پدید آورد و از دامنه فعالیت سازمان ما در زمینه سازماندهی و رهبری جنبش طبقه کارگر و جنبش توده های بگاهد.

این سیاست سرکوب و اختناق رژیم، منجر به اجتناب ناپذیری، بر شکل فعالیت سازمان و دامنه فعالیتهای آن، تأثیر گذاشته و تنها ذکر همین نکته کافی است، که هم اکنون هزاران تن از کارگران و روشنفکران انقلابی از میان سواداران سازمان که به صحت و حقیقت ایدئولوژیک سیاسی سازمان، برنامه و تاکتیکیهای

آن اعتقادی راسخ دارند و آماده اند، فعلا نه در جهت پیشبرد وظائف انقلابی سازمان مبارزه کنید، پراکنده و بی سازمان، اثریشان هرز میرود. پس از یکسو شرایط بحرانی موجود، گسترش دامنه فعالیت سازمان، تبلیغ گسترده و سازماندهی توده های را می طلبد. و از سوی دیگر دیکتاتوری و سرکوب، موانع عینده ای را در برابر انجام این وظیفه پدید آورده است. از این گذشته، سازمان ما مشابه سازمان پیشرو طبقه کارگر، مشابه سازمان انقلابی و حرفه ای، سازمانی آگیدا پنهانکار و محدود که خط و مرزهای صریح روشن باید آنرا از توده هوادار متفک سازد نمیتواند ضروری و سیستمی را در درون تشکیلات سازماندهی کند، چرا که در چنین حالتی، اساساً هیچ تضمینی برای ادامه کاری سازمان با توجه به شرایط موجود، وجود نخواهد داشت.

پس چه باید کرد؟ آیا رفقای هوادار باید منتظر شوند، و دست روی دست بگذارند؟ قطعاً خیر! رفقای هوادار باید با درک عمیق شرایط موجود، نقش سازمان و رسالت طبقه کارگر ایران در تحولات انقلابی جامعه، در هر کجا که هستند، با تشکیل هسته های هوادار، شکل سازمان یابند و متشکل خود فعالانه در سازماندهی و رهبری مبارزات کارگران و زحمتکشان شرکت کنند، پایه فعالیت تبلیغی و ترویجی خود را در میان توده ها برنامه سازمان و مطالب نشریه "کار" و فدائی فدائی قرار دهند و با استفاده از آدرسهای علمی سازمان در خارج از کشور آدرس صدای فدائیس با سازمان ارتباط برقرار کنند و بر مبنای رهنمودهای زیر، فعلا نه در مبارزه شرکت کنند و نقش انقلابی خود را در جنبش ایفا نمایند.

پس نخستین وظیفه هر رفیق هوادار سازمان این است که باید با دو رفیق هوادار دیگر، یک هسته هوادار تشکیل دهد. هواداران سازمان باید تلاش کنند با تشکیل هسته های کارگری، در درجه اول، کارگران را آگاه و متشکل سازند. و در این زمینه بویژه به کارگران موسسات صنعتی بزرگ و رشته های استخراج اقتصادی، توجه خاصی داشته باشند. چرا که این کارگران بدلیل داشتن سابقه مبارزاتی و آگاهی نسبی، زمینه تشکیل پذیری بیشتری نسبت به سایر کارگران دارند و در صورت به اعتصاب کشیده شدن این واحدها، از قبیل صنعت

نفت، صنایع نظامی، ذوب آهن، معادن، ماشین سازیها و برق، شرکتهای اقتصادی رژیم، قطع خواهد شد. در این زمینه کافی است نقش و اهمیت اعتصاب کارگران صنعت نفت در قیام بهمن ۵۷ و همچنین اعتصاب کارگران ذوب آهن را در سال گذشته بخاطر بیابوریم.

هسته هوادار چگونه تشکیل میشود؟ هسته هوادار میتواند در محیط کار یا در محل زندگی رفقای هوادار تشکیل شود. رفقای کارگر هوادار سازمان، باید حساب تلاش خود را بکارگیرند تا در کارخانه های که کار میکنند، یک هسته هوادار تشکیل دهند و با تشکیل هسته هوادار، فعالیت خود را گسترش دهند. اگر در یک کارخانه، تنها یک هوادار سازمان وجود دارد، این رفیق هوادار باید سعی کند از طریق کار و فعالیت مداوم آگاهگوانه، در آفاق یک یا دو کارگر آگاه و پیشرو را به سمت حفظی سازمان جذب کند و سپس از طریق آنها یک هسته هوادار تشکیل دهد.

هسته های هوادار، همچنین می توانند در حلقه ها تشکیل شوند، فی المثل اگر سه رفیق هوادار در حوالی میدان شوش تهران زندگی می کنند، باید یک هسته هوادار در همان منطقه تشکیل دهند و در همان منطقه، فعالیت خود را آغاز کنند. هسته های هوادار میتوانند در مناطق زندگی کارگران و زحمتکشان، نقش مهمی در بالا بردن آگاهی توده ها و سازماندهی و رهبری اعتراضات و مبارزات آنان ایفا کنند. رفقای هوادار سازمان که در روستاها زندگی میکنند، باید در میان روستاها هسته هوادار تشکیل دهند و فعالیت خود را در وهله نخست، در میان کارگران و نیمه پرولترهای روستا آغاز نمایند.

رفقای هوادار سازمان کسبه دوره سرپازی خود را میگذرانند، باید در سرپاز خانه، هسته های هوادار سازمان را تشکیل دهند. پس چنانکه گفتیم، هسته های هوادار، با توجه به شرایط رفقای تشکیل دهنده آنها در محل کار یا محل زندگی شکل میگیرند. اما آنچه باید روی آن تأکید کرد این است که رفقا تنها در یکی از این هسته ها فعالیت نکنند، یا در هسته محلی و یا در هسته ای در محیط کار. شرکت یک رفیق در آن واحد در دو هسته، منجر به تداخل زمینه فعالیت و مسائل هسته ها می شود و درود ضربه پذیری رفقا را بالا میرود. مثلاً رفیق کارگری کسبه امروز در یک هسته محلی شرکت دارد، اگر

رهنمود به هواداران

امکان یافت با کارگران کارخانه‌های گسسه در آن کار میکنند، حتماً ایجاد کند، در درجه اول باید ارتباطات را با حلقه محلی قطع کند.

مسائلی که رفقای هوادار، هنگام تشکیل حلقه باید به آن توجه کافی کنند رعایت مسائل امنیتی است. رفقای گسسه میخوانند با یکدیگر حلقه تشکیل دهند نباید از نظر امنیتی برای یکدیگر شناخته شده و مورد اعتماد یکدیگر باشند. رفقا باید این مسئله را در نظر بگیرند که سرروزی برای تریه زدن به سازمانهای انقلابی از شیوه‌های گوناگونی استفاده میکنند. مواردی مشاهده شده که مزدوران رژیم، سعی کرده‌اند با استفاده از عنوان‌های نفوذی خود، هواداران سازمان را شناسایی کرده و به آنها تریه بزنند. این مزدوران سعی کرده‌اند با ظاهر به هواداری از سازمان و گرفتن پز بیگ انقلابی در آن حلقه، در بین هواداران نفوذ کرده و آنها را شناسایی و دستگیر نمایند. همچنین حلقه‌ها باید حتماً مخفی باشند یعنی به جز خود رفقای تشکیل دهنده حلقه، هیچ فرد دیگری، حتی نزدیکترین دوستان و خویشان و آشنایان، نباید از وجود حلقه و ارتباطی که رفقای حلقه عنوان هوادار سازمان با یکدیگر دارند، در چرخه امنیتی اطلاع داشته باشند.

وقتی که یک حلقه هوادار تشکیل شد، مهمترین امری که این حلقه بمنظور وجودیت و ادامه کاری خود باید رعایت کند، اجرای اکید اصل پنجاه و یکم است. ارتباط پرولتری است. رفقا باید در نظر داشته باشند که شرایط کار کمونیستها، عموماً بهتر است که رفقای را می‌طلبند، بر این اساس رفقای هوادار، باید همواره با نهایت هشیاری مبارزه با پلیسیاسی را که امروز در بیشتر سازمان اطلاعات و امنیت جمهوری اسلامی و سپاه و کمیته و اداره حفاظت کارخانه‌ها و انجمن اسلامی ظاهر شده است به پیش برند، باید با علاقه و ابتکار عملی خود، شیوه‌های جاسوسی و سرکوب رژیم را غنای کنند و به محفل و رفیقان نیروی از فعالیت، با پوشش امنیتی سازمانه اشکال دیگری را که برای پلیسیاسی شناخته شده نیستند، در پی بگیرند.

اما رعایت کامل اصول مخفی کاری حتماً

رعایت مخفی بودن و چری پرولتری را منتهی حرکت خود قرار دهند. ارتباط پرولتری فدائوکاری، و غیر انقلابی، شرط اصلی ادامه کاری و موفقیت یک حلقه در پیشبرد وظائف انقلابی می‌باشد. حلقه‌های گسسه نظم و انضباط پرولتری را در حلقه‌های زمینه‌های فعالیت خود به کار نیندازند، قادر به رعایت مخفی کاری نخواهند بود و در نتیجه نه در امر تبلیغ، نه در امر سازماندهی مبارزات کارگران و نه در پیشبرد وظائف پرولتری خود، موفق خواهند شد. اعمال انضباط پرولتری بخصوص در شرایط حلقان آمیز کنونی و از نظر امنیتی اهمیت بسیار زیادی دارد و رفقای حلقه در این مورد نباید هیچگونه سهل‌انگاری و سهل‌انگاری از خود نشان دهند.

برخورد لیبزالی به مسائل، نه تنها در راه رفقای حلقه نیست، بلکه چه بسا نتایج زیانباری برای ادامه کاری حلقه در پی داشته باشد. بر سر سر غیرمستقیم در رابطه با وظیفه انقلابی هر رفیق حلقه، اگر رفقای این وظیفه اجرای یک قرار باشد، جدی نگرفتن و دست برداشتن بر یک قرار استی نشان دادن در توزیع نشریات و... خود این رفیق و دیگر رفقا را در معرض فریاد پلیس قرار میدهد و بسبب نابودی حلقه حلقه خواهد انجامید. وظائف حلقه‌های هوادار:

الف- وظایف پرولتری ب- وظایف بیرونی. الف- اولین وظیفه حلقه هوادار، ارسال اخبار و گزارشات مبارزات حلقه‌های حلقه سازمان است. ارسال اخبار و گزارشات یکی از مهمترین وظایف حلقه‌های هوادار است. حلقه محلی و چه حلقه‌های است که در محل کار تشکیل می‌شوند، درباره اهمیت ارسال اخبار و گزارشات مبارزات حلقه‌ها، همین بس که بگوئیم، دقیق‌ترین تحلیلها و رهنمودهای سازمان و فضای برنامه‌های رادیو قاعد زیادی در گرو اطلاع هر چه دقیقتر از مسائل و مشکلات کارگران و زمینگان و سطح مبارزه آنان است. پس هر هوادار، باید همواره بعنوان یک گزارشگر دقیق و فعال سازمان عمل کند. هر حرکتی که در کارخانه یا محله انجام می‌شود، هر اعتراض کارگران و زمینگان نسبت به وضعیت موجود را اگر خود شاهدش بوده‌اید، حتی اگر شخصاً در جریان حرکت قرار نداشته‌اید، اما از موفق بودن آن اطمینان دارید، کاملاً دقیق و صمیمانه به حلقه‌ای که اتفاق افتاده است، و در اسرع وقت به آدرس محلی فدائوکاری

بفرستید. گذشته از اخبار و گزارشاتی که از اعتراضات و مبارزات حلقه‌ها می‌فرستید بطور مرتب گزارشاتی از اشکال مبارزاتی کارگران، روحیات حلقه‌ها، سطح آگاهی و میزان آمادگی آنان برای حرکت اعتراضی، به سازمان ارسال دارید. گزارشات شما باید حاوی اطلاعات زیرسیر باشد: نام کارخانه، علت حرکت، ذکر تاریخ دقیق و تعداد کارگران شرکت کننده در حرکت، شکل حرکت، کم کاری، اعتصاب، ضمن، ظاهر عزای و... برخوردار مدیریت و انجمن محلی و شورای اسلامی به حرکت کارگران و روحیه کارگران پس از پایان یافتن حرکت و مهمترین خواسته‌های کارگران در آن حلقه.

علاوه بر گزارش حرکت مخفی بطور کاملاً واقعی و تکلیفی که اتفاق افتاده است که بطور مجزا تنظیم می‌شود، رفقای هوادار بررسی خود را از حرکت و نقاط ضعف و قوت آن حلقه سازمان گزارش کنند. رفقای حلقه که در محلات فعالیت می‌کنند باید علاوه بر گزارشاتی که مرتباً از روحیات و مبارزات حلقه‌ها و مسائل آنان در هر نقطه برای سازمان می‌فرستند، اعتراضات و مبارزات حلقه‌ها را با رعایت نکات زیر به سازمان گزارش کنند، تنها بدون ابهام و قابل استفاده باشد:

۱- زمان وقوع حرکت و محل آن (اسم شهر، خیابان، محله و روستا) و خواسته‌های محروم حلقه. ۲- موقعیت طبقاتی و خلقی مردمی که در موردشان گزارش تهیه می‌شود. مخفی شود، آیا افراد مورد بحث شما کارگر هستند، زمینگان شهری، روستایی، دانش‌آموز، دانشجو، کارمند و غیره. ۳- چگونگی شکل گیری حرکت، چه عاملی باعث شده که اعتراض یا حرکت شکل بگیرد؟ مثلاً موارد بسیاری اتفاق افتاده که در سطح توزیع ما به‌تقاضای عمومی، اعتراضی یک فرد زمینگن به کمبود مواد غذایی و گزارش مخالفت با مدارس، منجر به این شده است که اعتراضات مستقماً بطرف رژیم گانالیزه شود. در گزارش از هر حرکت و اعتراضی حلقه‌ای، چگونگی شکل گیری و زمینه ایجاد حرکت را توضیح دهید.

۴- تعداد افراد شرکت کننده در هر حرکت شکل مبارزه، فشارهای طرح شده، شیوه برخورد مزدوران رژیم امروز جاسوسان محلی، شورای مساجد و انجمن اسلامی، کمیته





رهنمود به هواداران

و سپاه به حرکت مردم و نتیجه حرکت را ذکر کنید.

هم انعکاس خبر در میان توده ها و واکنش آنان نسبت به این خبر، آیا فقط به ابراز همدردی اکتفا میگردند، یا حمایت مادی؟

۳- موضع توده ها نسبت به نیروهای سیاسی چه بود؟ آیا با خلق جمهوری اسلامی، آلترناتیوی را بجای آن برای خود داشتند؟ از کدام نیروی سیاسی حمایت میگردند و دلالتان چه بود؟

در ارسال اخبار و گزارش مبارزات کارگران و توده ها، نکته ای که باید حتماً به آن توجه شود این است، که گزارش وقایع بدون تحلیل همین آنچه اتفاق افتاده است کاملاً دقیق، بطور مفصل و با ذکر جزئیات تهیه شوند. بازم تاکید میکنیم رفقا همین آنچه را که اتفاق افتاده است گزارش کنند. باها اتفاق افتاده است که رفقای هوادار گزارشاترسی از مبارزات کارگران و رزمندگان برای سازمان ارسال میدارند که خادومی بر اساس ذهنیت و افراق آمیز است. رفقا باید توجه داشته باشند که هرچه گزارشات دقیقتر و بیشتر منطبق بر واقعیات باشد، در تحلیل دقیقتر از مسائل و شرایط بسیار مؤثرند. هنگامیکه گزارشی از رویداد توده ها و نظرشان نسبت به حاکمیت، جنگ و مسائل مختلف تهیه میکنند، این گزارش باید منعکس کننده روحیه عمومی توده ها باشد.

گزارشات که به روش توضیح داده شده تهیه میکنند با رعایت کامل مسائل انضباطی زیر برای ما ارسال نمایند:

۱- گزارشات با خط خوانا نوشته شده شماره داشته باشد تا مشخص شود که کدام نامه شما بدست ما رسیده است. گزارشات پس از تهیه در اولین فرصت ممکن بمنت شود، تا اخبار تازه و قابل استفاده باشند.

۲- در گزارشات مبارزات توده ها از ذکر مسائل اطلاعاتی و امنیتی که با امنیت شناسایی شما یا عامل غیر میگردند، خودداری کنید.

هیچگاه آدرس واقعی خود را روی پاکت ننویسید. بجز آدرس فرستنده غیر واقعی اما کامل را بنویسید تا برای رژیم شکستی ایجاد نکند.

۳- نامه ها و گزارشات خود را در دو نسخه

جداگانه، با دو آدرس فرستنده مختلف در دو روز مختلف و از دو محل جداگانه بمنت کنید تا اگر یکی از نامه ها بدست ما نرسید، دیگری حتما برسد.

۴- برای گزارشات که مداوماً به رادیو میفرستید، از آدرسهای فرستنده مختلفی استفاده کنید.

۵- هرگز از کاغذ کپی استفاده نکنید.

۶- در صورتی که حجم گزارشات زیاد است، آنها را در دو یا چند نامه جداگانه میفرستید، همواره حجم نامه ارسالی شما با اندازه حجم یک نامه معمولی باشد.

۷- ضمیر پستی نه کمتر و نه بیشتر از میزان لازم، بلکه در حد معمول برای غنای از کشور الحاق شود.

۸- گزارشات و اخبار خود را با رعایت کامل مسائل امنیتی به آدرس یکی از دوستان و آشنايان خود در خارج از کشور ارسال دارید و از آنها بخواهید نامه های شما را سریعاً به آدرس رادیو بمنت کنند.

۹- دومین وظیفه درونی همه هوادار برنامه ریزی برای فعالیت هسته و پیگیری آن و تلاش در جهت ارتقاء آگاهی سیاسی - ایدئولوژیک و مسائل انقلابی است.

هر هسته هوادار باید برنامه کوتاه مدت و دراز مدت قابل اجرایی در تمامی زمینه های فعالیت خود تنظیم نماید و آنرا بطور منظم به اجرا در آورد. این برنامه، برنامه ای است که با توجه به وظایف هسته ها، بسته به اینکه کجا تشکیل شده اند و در چهارچوب برنامه سازمان، نشریه کار و مطالب رادیو، انجام میپذیرد. تنها ارزیابی دقیق این برنامه و عملکرد آن است که کارساز است. نحوه تبلیغ و ترویج، سطح فعالیت، میزان انضباط و بالآخره تمامی نقاط قوت و ضعف حرکت هسته را بطور کامل روشن میسازد. گزارشات که هسته از این مجموعه فعالیت تنظیم میکند، خود منعکس کننده میزان نظم و انضباط اعضا هسته و پیگیری در پیشبرد برنامه کار هسته است.

هسته های هوادار باید با برگزاری جلسات مداوم و منظم که در شرایط فعلی میتواند هر یک تا دو هفته یکبار صورت پذیرد، برای فعالیت خود برنامه ریزی کنند و در هر جلسه بهر اعمون اشکالات و مسائلی که در جریان عمل پیش آمده، ریشه نارساها را پیدا کنند، اگر مربوط به برنامه ریزی و کمبود امکانات است برای از بین بردن آن اقدام کنند و اگر به کم کاری بی توجهی و جدی نگرفتن وظایف از جانب رفیقان

بر میگردد، با انتقاد جدی و سرخست اسباب رفیقاته در جهت برطرف کردن آن بکوشد. فته ها باید رهنمودهای را که از طریق رادیو و نشریات سازمان کسب میکنند مجدداً بکار بندند و تا شبرات آنرا همراهِ با نظرات خود به سازمان گزارش کنند. رفقای هوادار در این جلسات، همچنین باید برنامه ریزی مشخصی برای مطالعه بر مبنای برنامه مطالعه ای که قبلاً از رادیو بخش شد و دوباره بخش خواهد شد، مطالعه نشریات سازمان و برخورد به مسائل رادیو داشته باشند. رفقای هوادار در همین شرکت فعال در مبارزات توده ها، باید تلاش کنند آگاهی خود را بالا ببرند. بنیانهای ایدئولوژیک - سیاسی نظرات خود را مستحکم کنند و به مواضع سازمان مسلط شوند. یک هوادار سازمان، هر چند بهر شور و مادی، فداکار و از خود گذشته باشد، مادام که این شور و صداقت ر از خود گذشتهگی اش با آگاهی پیوند نخورد و پشتوانه ایدئولوژیک مستحکم نداشته باشد، مادام که شور انگیزگی انقلابی اش باشعور انقلابی تلفیق نشود، هر آن در معرض لغزش و دچار شدن به انحرافات قرار دارد. امروز سازمان ما برای گسترش فعالیت و نفوذ خود در بین کارگران به آن چنان نیروهای نیاز دارد و اساساً آن نیروهای میتواند در مفروض سازمان و با تحت نام هوادار سازمان فعالیت کنند و ادامه کاری داشته باشند، که با تسلط بر مواضع سازمان، با داشتن پشتوانه ایدئولوژیک قوی، آگاهی خود را در خدمت متشکل کردن و آگاه کردن کارگران بکار گیرند. پیوند شور انقلابی و آگاهی سیاسی هر رفیق هوادار، آنچنان نیروی شگرفی می آفریند که قادر است عظیم ترین موانع را از پیش پای فعالیت انقلابی اش بردارد و در این راه شد تنها مشکلات از حرکت باز نماندند، بلکه در برخورد به مسائل و مشکلات، همچون صخره سخت و همچون کوه استوار است و با درس آموزی از هر اشتباه و شکست، نیروی تازه ای میگرد و بزحمت بیشتر به پیش میرود.

رفقای هوادار، برای تقویت شما شل کمونیستی خود، برای از بین بردن گمراهات و غمناک خرد بورژوازی و تقویت و تحکیم مناسبات رفیقاته، باید هر یک گام یکبار جلسات انتقادی تشکیل دهند.

رفقای هوادار باید با روحیه انتقاد پذیری خود که منبعت از شور

رهنمود به هواداران

انقلابی، از خود گذشتگی، صداقت و ایمان به آرمان کارگران میباشد. با درک صحیح از اعتقاد و اعتقاد از خود جلاست اختلافی را به مرصای برای از سر راه برداشتن هر آنگونه غمناک و ضعیفای که مغایر با اخلاق کمونیستی است و در پیرو کار، سدی در مقابل کوشش فعالیت هسته خواهد شد. تبدیل نمایند. با چنین زمینه و پیش شرطی است که جلاست اعتقادی، افتخار در فعالیت در بین اعضا هسته را تقویت میکنند و کیفیت فعالیت آنها ارتقاء می بخشد.

رفقای هوادار باید مرصاً گزارشی از چگونگی فعالیت خود، چگونگی پیگیری برنامه مطالعاتی، نکات گری بحث ها و مسائلی که با آن روبرو هستند، به تشکیلات ارسال دارند.

۳- سوزین وظیفه درونی هسته هوادار تلاش برای ارتباط گیری با سازمان است. و گفتیم که در شرایط کنونی، رفقای هواداری که میخواهند با سازمان ارتباط بگیرند، میتوانند از طریق مکاتبه با آدرسهای علمی سازمان در خارج از کشور این ارتباط را برقرار کنند. بسیاری دست یابی به این امر، رفاقا باشد گزارش کاملی از وضعیت هسته و سطح فعالیت آن برای سازمان بفرستند. گزارش ما باید حاوی اطلاعات زیر باشد:

۱- ترکیب هسته چگونه است؟ فرناً ذکر شود، هسته از یک دبیر، یک کارگر تشکیل شده است.

۲- اشخاص هر یک از اعضا هسته از نظر سطح آگاهی شوریک

۳- تاریخ تشکیل هسته

۴- هسته در محل کار تشکیل شده یا محل زندگی

۵- فعالیت هسته در حال حاضر چیست؟

۶- ارتباط توده های اعضا تشکیل دهنده هسته

۷- تلاشی که تاکنون در جهت سازماندهی کارگران و جمعیتگان انجام داده اید.

۸- تبلیغات سیاسی هسته، اگر هسته محلی است، اعلامیه های که تا بحال پخش کرده اید. این اعلامیه ها در میان چه اقشار و طبقاتی پخش شد.

۹- موفق گیری کارگران نسبت به این

اعلامیه چه بوده، مضمون اعلامیه، زمان، مکان و میزان پخش اعلامیه.

۱۰- توضیح درباره اخباری که از نتیجه تبلیغات سیاسی خود کسب کرده اید. ابتکارهایی که بکار بردن آنها به دیگر هواداران توصیه میکنید.

۱۱- چشم آندازها و نقشه عملی آتی

۱۲- تا بحال چند کسک مالی برای سازمان جمع آوری کرده اید، به چه طریق این کسکها را در اختیار تشکیلات قرار داده اید؟

۱۳- منبع تامین مخارج زندگی افراد هسته

۱۴- مسائل و مشکلات امنیتی گروه، هر مسئله ارتباط مشکوک و غیر منطقی و هر مسئله امنیتی که دارید به سازمان گزارش کنید.

۱۵- برنامه کار سیاسی - ایدئولوژیک هسته چیست؟

رفقا باید این اطلاعات را با رعایت کامل مسائل امنیتی برای سازمان بفرستند. منتظر شوند تا از طریق راهی، رسیدن خاصشان به آنها اطلاع داده شود، سپس طبق رهنمودی که از طریق راهی دریافت میکنند، حرکت خود را ادامه دهند و گزارشات بعدی خود را ارسال کنند.

رفقای هسته های هوادار برای ارسال گزارش تشکیلاتی خود، باید نکات امنیتی زیر را اکیداً رعایت کنند، تا در صورت باز شدن احتمالی نامه ها، هیچگونه اطلاعاتی از آنها بدست پلیس نیفتد. طبیعی است دقت و رعایت اصول امنیتی در تماس با سازمان، و در نظر گرفتن رعایت کردن روابط تعیین شده برای ارسال اخبار و گزارشات بسیار بودن و اهمیت دادن به جنبه های امنیتی فعالیت هسته، ملاکهای هستند که در تفاوت سازمان از صلاحیت امنیتی هواداران، نقش بازی میکنند. راه نزدیکی رفقای هوادار به سازمان، فعالیت مداوم و پیگیری بر اساس رهنمودها و با رعایت اکید موازین امنیتی است.

رفقای هوادار، گزارشات تشکیلاتی خود را باید بصورت نامرئی نویسی در پس خطوط یک نامه معمولی و در موارد امنیتی برای بالا بردن ضریب امنیتی با استفاده از جدول رمز که بصورت نامرئی نوشته شده باشد، برای سازمان بفرستند. برای نامرئی نویسی، ابتدا یک نامه معمولی با همان مضمونی که برای دوستان و آشنایان خود میفرستید، بنویسید. این نامه باید کامل باشد و در صورت باز شدن،

خود ایجاد شک نکنند. سپس متن گزارش ما نامه خود را که میخواهد نامرئی بنویسید، آماده کنید، بطور مثال اگر میخواهید آدرس یا شماره تلفن یکی از دوستان با آشنایان خود را که میتوان در صورت لزوم به وسیله آن باشما تماس گرفت، بفرستید، ابتدا این آدرس یا شماره تلفن را با استفاده از جدول رمز، به رمز تبدیل کرده، سپس کلید رمز را در یک نامه با استفاده از نامرئی نویسی برای ما ارسال کنید و خود آدرس یا شماره تلفن رمز شده را نیز به چند قسمت تقسیم کرده هر قسمت را در لابلای خطوط یک نامه معمولی بصورت نامرئی بنویسید و برای ما بفرستید. دقت کنید، آدرس یا شماره تلفنی که در صورت امکان برای ما میفرستید، مطلقاً نباید مربوط به محل سکونت یا کار خود شما و یا سایر هواداران سازمان باشد. باید آدرس غیر مستقیم در اختیار ما قرار داده شود و روشن کنید که از آدرس یا شماره تلفن چگونه استفاده کنیم، چه کسی را مورد خطاب قرار دهیم. برای چه کسی پیام بگذاریم و خود را چه کسی معرفی کنیم.

چگونگی نوشتن نامه به شیوه نامرئی نویسی: برای نامرئی نویسی، یک قلم یا خودنویس نو و کاملاً تمیز و جوهر نامرئی و کاغذ سفید معمولی احتیاج دارید. جوهر نامرئی، محلول با مایع بیرنگی است که هنگام استفاده از آن برای نگارش هیچگونه اثر آشکاری از خود باقی نمیگذارد و برای ظاهر کردن نوشته نامرئی، از حرارت یا اطوی داغ استفاده می شود. بهترین جوهر نامرئی، آب باطری حساوی ۱٪ اسید سولفوریک با محلول جوش شیرین است. اگر فلطت آب باطری از ۱٪ بیشتر باشد، نوشته ها در اثر گرمی حرارت سردی ظاهر میشود و روی کاغذ اثر میگذارد و جای خطوط نوشته شده، پس از خشک شدن، کمی برقی شده یا به رنگ زرد در می آید. و اگر فلطت آب باطری کمتر از ۱٪ باشد، متن نامه در اثر کشیدن اطوی داغ بر روی آن، دیرتر ظاهر میشود.

پس از آماده کردن وسایل لازم برای نوشتن نامه، ابتدا بر روی کاغذ سفید معمولی، یک نامه عادی خطاب به یک دوست یا فامیل غیر واقعی بنویسید. دقت کنید خطوط نامه عادی با فاصله از یکدیگر

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران



رهنمود به هواداران

نوشته شود، تا بتوانید خطوط نامه‌نارمشی را در بین خطوط آن جای دهید، بطوریکه هنگام خواندن نامه اصلی شما که به طور نارمشی نوشته شده است، خطوط روی هم نیفتند و قابل خواندن باشند. حال جوهر را امتحان کنید در صورتی که کیفیت آن مناسب بود، متنی را که قبلاً برای نارمشی نویسی آماده کرده‌اید، با خودنویسی یا قلم حاوی جوهر نارمشی در لابلای خطوط نامه معمولی بنویسید. هنگام نارمشی - نویسی مواظب باشید روی کاغذ آنقدر فشار نیاورید که آثار فرو رفتگی و برآمدگی روی کاغذ بماند. همچنین اگر پشت و روی یک کاغذ را نارمشی نویسی میکنید، دقت کنید خطوط نارمشی پشت و روی صفحه، روی یکدیگر نیفتند. در چنین صورتی متن نامه به زحمت قابل خواندن خواهد بود. پس از نوشتن نامه، وقتی کاملاً خشک شده، آنرا در پاکت گذاشته، با کامل کردن آدرس فرستنده و گیرنده، آنرا به یکی از دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال کنید و از او بخواهید نامه شما را به آدرس رادیسو در خارج از کشور بفرستد. توجه کنید هیچگاه مستقیماً با آدرسهای علمی سازمان مکاتبه نکنید، زیرا این آدرسها برای رژیم شناخته شده هستند و رژیم براحتی میتواند نامه‌های را که به این آدرسها پست می شوند، شنیتش و بازرسی کند. بجای آدرس فرستنده یک آدرس جعلی اما کامل بنویسید. پس از تهیه نامه، آنرا با رعایت مسائلی که درباره آدرس فرستنده، مقدار صبر لازم و حجم نامه، در بخش ارسال اخبار و گزارشات توده‌ای به صدای ندائی گفتیم، بلافاصله پست کنید. نامه نارمشی نویسی شده راهیگاه برای مدت زمان طولانی نزد خود نگه ندارید، زیرا در صورت ضربه خوردن احتمالی، پوستگیری شما، این نامه با اطلاعاتی که در آن ثبت شده، علیه خود شما بکارگرفته خواهد شد. در فرستادن گزارشات تشکیلاتی، اکیداً توجه داشته باشید، پس از اینکه اولین نامه خود را برای سازمان فرستادید، منتظر شوید تا رسیدن نامه شما از طریق رادیسو اعلام شود، سپس با توجه به رهنمودهایی که داده خواهد شد، نامه بعدی خود را پست کنید.

در نامه‌هایی که برای ارتباط گیری با سازمان میفرستید، یک کد مشخص، یا اسم

رمز انتخاب کرده برای ما بفرستید تا از آن پس بهیابها با آن اسم رمز، یا کد مشخص برایتان فرستاده شود.

۳- چهارمین وظیفه درونی همه هواداران جمع آوری کمک مالی برای سازمان و ارسال آن به تشکیلات است. کمکهای مالی را میتوانید در صورت دراختیارنداشتن کانتالهای مطمئن، به همان طریقی که برای ارسال نامه‌هایتان اقدام می کنید، آنرا برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور بفرستید. و از آنها بخواهید کمک مالی شما را به حسابهای بانکی سازمان در خارج از کشور، واریز نمایند، و رسید آنرا به آدرس رادیسو بفرستند.

ب؛ وظیفه بیرونی همه‌های هواداران؛ وظیفه بیرونی همه هواداران اساساً در خدمت امر پیشبرد تبلیغ و ترویج و سازماندهی مبارزات پرولتاریاست. تبلیغ در بین کارگران، ارتباط لاینفکی با ترویج دارد. اما در شرایط فعلی، بطور کلی تبلیغ ایده‌های سوسیالیستی و دمکراتیک از اهمیت بیشتری نسبت به ترویج برخوردار بوده و تاثیر آن در ارتقاء آگاهی کارگران و مبارزات آنها بسیار است. از ترویج بیشتر است.

اما این معنای نقش فرعی دادن به ترویج نیست، همانگونه که گفتیم، تبلیغ و ترویج ارتباط لاینفکی با یکدیگر دارند. ترویج سوسیالیستی در میان کارگران یعنی ترویج اصول سوسیالیسم علمی، اشنایان به مفهوم صحیح نظام اجتماعی - اقتصادی معاصر و مبانی و تکامل این رژیم، اشنایان به مفهوم صحیح نقش و اهمیت طبقات مختلف جامعه، روابط متقابل این طبقات، مبارزه آنها با یکدیگر، درباره نقش طبقه کارگر در این مبارزه و روش آن نسبت به این طبقات، نسبت به سرمایه داری و اشنایان به مفهوم صحیح وظیفه ملی و بین المللی طبقه کارگر ایران.

تبلیغ سوسیالیستی، یعنی شرکت فعال در مبارزات خودبخودی طبقه کارگر، آمیختن فعالیت خود با مسائل ملی روزمره زندگی کارگران، بالابردن روحیه همبستگی کارگران، چاپ و توزیع نشریات و اعلامیه‌های تبلیغی. اما تبلیغ و ترویج سوسیالیسم، در بین کارگران در پیوند ناگستنی با تبلیغ و ترویج دمکراتیک در بین آنان قرار دارد، و باید با هم همپیش برده شود، ترویج ایده‌های دمکراتیک به معنای اشنایان به مفهوم همبستگی ملی و تمام صور فعالیت آن است.

شناختن مضمون طبقاتی این حاکمیت، لزوم سرنگون ساختن آن و مفاها اینکس بدون سرنگونی پرژیم بدون بجا ده مگراسی و آزادی سیاسی، آزادی تام و تمام طبقه کارگر از بویغ استعمار ممکن نیست.

تبلیغ دمکراتیک یعنی تبلیغ بر زمینه مسائل سیاسی فوری و مبرم کارگران و دیگر اقشار زحمتکش، تبلیغ بر فد جو سرکوب و عقلمان حاکم بر کارخانه ها، تبلیغ بر فد تحمیلات و تحمیلات پلیسی، محدودیت حقوق کارگران، تبلیغ دمکراتیک یعنی تبلیغ روی مسائل و مشکلات به شمار امروز کارگران و زحمتکشان یعنی جنگ، اختناق، جو سرکوب و...

بنابراین، وظیفه بیرونی همه‌های هواداران، مبارزات از تبلیغ و ترویج سوسیالیستی و دمکراتیک در میان کارگران و نیز سازماندهی مبارزه طبقه کارگر، در هر دو شکل سوسیالیستی و دمکراتیک آن است. اما مبارزه سوسیالیستی کارگران به چه مناسبت و چه ارتباطی با مبارزه دمکراتیک دارد؟ مبارزه سوسیالیستی طبقه کارگر یعنی مبارزه این طبقه بر فد طبقه سرمایه دار، یعنی مبارزه ای که هدفش انهدام نظام طبقاتی و ایجاد جامعه سوسیالیستی یعنی آزاماختن کار مزدوری براداختن مالکیت خصوصی و براداختن استعمار فرد از فرد است. طبقه کارگر در مبارزه سوسیالیستی خود تنهاست زیرا تمامی اقشار و طبقات دیگر جامعه، هر یک به نحوی خواستار اینکس مالکیت خصوصی هستند.

مبارزه دمکراتیک طبقه کارگر، یعنی مبارزه بر فد رژیم جمهوری اسلامی، مبارزه برای بخت آوردن آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک و ایجاد یک رژیم دمکراتیک است. در این مبارزه اگرچه طبقه کارگر به این دلیل که برای هدفی فراختر از دمکراسی یعنی برای براداختن سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم مبارزه می کند، پیگیرترین طبقه در مبارزه برای مگراسی است، اما از آنجا که اقشار و طبقات دیگر جامعه نیز، تحت فشار دیکتاتوری و اختناق و تحمیلات پلیسی رژیم قرار دارند، خواستار دمکراسی هستند و در پیست آوردن آزادیهای سیاسی هستند.

نکته‌ای که باید کاملاً به آن توجه داشت، این مسئله است که مبارزه سوسیالیستی و دمکراتیک طبقه کارگر دو چیز لاینفک یکدیگرند، و باید به سوازات یکدیگر پیش برده شوند. هواداران سازمانهاگونه که باید در تمام مبارزات

رهنمود به هواداران

خودبخودی طبقه کارگر و توده‌ها ضربه کارگرها با سرمایه داران پیدا میکنند شرکت کنند، همانگونه نیز باید در مبارزات دمکراتیک کارگران شرکت کنند، سیاستهای ضد-دمکراتیک رژیم جمهوری اسلامی، لزوم رنگون ساختن آنها مطرح کنند.

هسته‌های هوادار بسته به اینکه در محل زندگی یا محل کار تشکیل شوند، وظایفی را که در بالا به آن اشاره کردیم اگر چه این وظایف در مضمون برای همه هسته‌ها یکسان است به طریقی متفاوتی به پیش می‌برند.

۱- اگر هسته در کارخانه تشکیل میشود، رفقای هوادار بدون اینکه کسی از ارتباط آنان با یکدیگر بمحتوای یک هسته هوادار اطلاع پیدا کند، باید در مبارزات کارگری فعالیت شرکت کنند. اعتراضات آنان را ست و سو دهند و با شرکت فعال در اعتراضات و امتصابات، سعی کنند مبارزه کارگران را سازماندهی و رهبری کنند. رفقای هوادار در کارخانه‌ها باید در هر حرکت مبارزاتی کارگران فعالیت شرکت کنند، و رسماً دست به تبلیغ شما را، برنامه و مواضع سازمان بزنند. اما برای تبلیغ و اخذ رهنمود نباید به انتظار برویک امتصاب کارگری نشست. توده‌های کارگر حتی زمانی که دست به مبارزه نمی‌زنند، معترض و ناراضحند، خواستها و مطالبات شخصی دارند و قادر به جذب شما و رهنمودهایی برای مبارزه عملی نیستند. میبایست باید ماهیت نظام سرمایه داری و رژیم حاکم، ماهیت مدیریت و انجمنهای اسلامی و هدف رژیم از ایجاد شوراهای فرمایشی اسلامی کار را برای کارگران توضیح داد. و به آنها گفت که این شوراها فرمایشی نمیتوانند از منافع کارگران دفاع کنند. کارگران برای اینکه بتوانند به خواستهای خود برسند، باید تشکلهای خاص خود را داشته باشند. میبایست در کمیته‌های کارخانه تشکیل شوند. رفقای هوادار در کارخانه‌ها باید در هر حرکت در مبارزات کارگران و پیشبرد فعالیت امر تبلیغ، به این نکته توجه داشته باشند، تبلیغات سیاسی صرفاً زمانی کارایی لازم را خواهد داشت که در خدمت سازماندهی کارگران قرار گیرد. سازماندهی کارگران و شرکت در مبارزات جاری آنان، اساساً دو وجه جدانشدنی و لازم و ملزوم یکدیگرند بدون تشکیلات و سازماندهی، فعالیت در

مبارزات و اعتراضات کارگران، مقصور نیست و هرگامی که رفقای ما در گسترش ارتباط خویش با کارگران بر میدارند و به سازماندهی مبارزه آنها میپردازند، ما را بطور واقعی گامها به تامین این رهبری و تقویت و گسترش مبارزات اعتراضی کارگری نزدیک میکنند. فقط در این صورت است که میتوان در هر حرکت در مبارزات کارگران، به حرکات آنان، برغوردهی انتقادی کرد، ضحفا و ناراضحیها را شناخت، شما را تصحیح کرد و این نتایج را در مبارزات بعدی بکار گرفت. پس رفقای هوادار امر تبلیغ در بین کارگران و شرکت در مبارزات آنان را باید بصورت وجهی جدا نشدنی از سازماندهی کارگران در نظر بگیرند. در هر حرکت اعتراضی، کارگران پیشرو و آگاه به منافع طبقاتی خود که قابلیت جذب هسته‌ها را داشته باشند، بر ارضی قابل شناسایی هستند.

رفقای هوادار، برای جذب کارگران و گسترش هسته‌های هوادار، در وهله اول باید توجه خود را معطوف به کارگران پیشرو و مبارز، کارگرانی که ماحب نفوذ و مورد اعتماد کارگران هستند و آمادگی بیشتری برای جذب ایده‌های کمونیستی دارند، معطوف کنند، با آنان ارتباط نزدیکتری برقرار کنند و طی یک پروسه، ضرورت ایجاد هسته‌های کارخانه را به آنها توضیح دهند و به محض تشکیل این هسته‌ها، ارتباط آنها را با سازمان وصل کنند.

رفقای هوادار که در کارخانه‌ها هسته تشکیل داده‌اند، برای حفظ ادامه گساری خود چند نکته را باید در نظر بگیرند. رفقا باید حتی الامکان در شرایط کنونی از بخش منظم اعلامیه و نشریات سازمان در دوران کارخانه خودداری کنند و با بکارگیری ابتکار و خلاقیت خود، اشکال متنوعی را برای توزیع نشریات و اعلامیه‌ها و پیشبرد امر تبلیغ و ترویج در میان کارگران بیابند. در تبلیغ شما بین کارگران، مسائل امنیتی را حفظ کنند، در بحث‌ها بدون اینکه موضع سازمانی خود را مشخص کنند، با علنا از سازمان دفاع نکنند، از مسائل و مشکلات بشمار کارگران صحبت را شروع کنند. این حرکت آگاهانه باعث میشود جاسوسان و مزدوران رژیم قادر به شناسایی آنها نشوند و ادامه کاری رفقا تضمین گردد.

رفقای هوادار برای اینکه قادر باشند امر تبلیغ و ترویج را در میان کارگران بخوبی پیش ببرند، لازم است بر مواضع

سازمان مسلط باشند. رفقا باید طرح برنامه سازمان را مطالعه کنند، برنامه‌های رادیو را مرتباً و بطور دقیق گوش کنند و هر سؤال و نکته مبهمی که برایشان باقی است، در مکاتبه با سازمان مطرح کنند.

آنچه بسیار مهم است، رفقا باید سعی کنند در جریان تمام مسائل کارگران و اتفاقاتی که در کارخانه میافتد، قرار داشته باشند، زمینه‌های حرکت آتشی کارگران و امکان شکل گرفتن اعتراضی را امتصا بر روی کنند و با گزارشات مداوم خود، سازمان را در جریان مسائل کارگران کارخانه‌ای که در آن کار میکنند، قرار دهند.

۲- در صورتیکه هسته در سر با خانه تشکیل شده است، رفقای هوادار باید سر بازان و دیگر پرسنل سر با خانه را به نقش سرگوبگرا تشویق و ماهیت ارتجاعی جنگ و رژیم جمهوری اسلامی آگاه کنند. به آنان توضیح دهند که این جنگ ارتجاعی تنها در خدمت منافع سرمایه داران و امپریالیست‌هاست و جز کشتار و فقر و تنگدستی برای زحمتکشان را بر نخواهد داشت. شعارهای سازمان برای پایان دادن به جنگ ارتجاعی را به سر بازان بپوشانند و به آنان توضیح دهند که تنها راه پایان بخشیدن به جنگ تبدیل آن به جنگ داخلی علیه رژیم است. رفقای هوادار برای پیشبرد امر تبلیغ در بین سر بازان، بخصوص میتوانند بر چهارب قیام بهمین و اقدام انقلابی سر بازان و پرسنل نیروی هوایی در پیوستن به صفوف توده‌ها، تکیه کنند، چرا که تجربه، خود بهترین آموزگار توده‌هاست.

رفقای هوادار سازمان در سر با خانه‌ها باید با شناسایی سر بازان و پرسنل آگاه و مبارز، هسته‌های از سر بازان ایجاد کنند و با کار آگاه‌ها ترانه خود در میان آنان زمینه ایجاد یک اعتراضی سازمان یافته گسترده را علیه جنگ و رژیم جمهوری اسلامی در بین سر بازان ایجاد کنند.

۳- اگر هسته در محلات تشکیل شده است مهمترین وظیفه آن سازمان دادن صحیح شعار نویسی، بخش اعلامیه و نشریات و شرکت فعال در اعتراضات توده‌ای است. رفقای هوادار باید با آگاهی به این وظیفه اساسی خود، برنامه ریزی صحیح و دقیقی در حد امکانات خود در این زمینه انجام دهند، و در حد توانشان کار ضبط و پیاده کردن مطالب رادیو شمار



رهنمود به هواداران

نویسی، تهیه تراکت و اعلامیه از سوازه برنامه و شمارهای اصلی سازمان، حتی بصورت دست‌نویس و پخش آنها در محافل زندگی کارگران و زحمتکشان را با انجام تقسیم کار بین اعضا هست، پیش‌برند و مداوم گزارش فعالیت خود را بسوی سازمان ارسال دارند.

هفته‌های محلات برای پیشبرد وظایف خود، باید این نکته‌ها را رعایت کنند:

۱- برای شروع کار لازم نیست فرورگشا امکانات پیچیده و گسترده‌ای در اختیار داشته باشید، اراده انقلابی چند رفیق هوادار، و درک ضرورت و اهمیت وظایف هفته‌های محلی کافی است. برای شروع کار در اختیار داشتن یک رادیو - ضبط برای شنیدن و ضبط کردن مطالب رادیو و یک خودکار و کاغذ برای تهیه کردن مطالب آن کافی است، می‌توان در شروع کار، مطالب را بصورت دست‌نویس تهیه و برای پخش آن اقدام کرد. در تداوم حرکت هست، می‌توانید از دستگاه دست‌ساز تهیه پلی‌کپی که حجم کمی دارد و درموردی که با آن کار نمی‌کنید بسا باز کردن چهار چوبه آن می‌توانید بدون اینکه وجودش مسئله امنیتی ایجاد کند، آنرا در کنار دیگر اشیاء عادی خانه قرار دهید، استفاده کنید. (ما طرز تهیه دستگاه پلی‌کپی را در پایان این مقاله برایتان چاپ کرده‌ایم).

۲- رفقا برای فعالیت خود و جلوگیری از بوجود آمدن مسائل امنیتی، باید پوشش امنیتی مناسبی را برای حفظ ادامه کاری هفته انتخاب کنند. بطور مثال زندگی در پوشش یک خانواده، شرایط بسیار مناسبی برای فعالیت رفقای هفته بوجود می‌آورد و باعث می‌شود که فعالیت و رفت و آمدها، کمتر جلب نظر کند.

۳- در شرایط فعلی، بهترین شیوه پخش نشریات و اعلامیه‌ها، که کمترین امکان خرابه پذیری را دارد، استفاده از پست است، اما نباید پخش نشریات را به این شیوه منحصر کرد، در کنار استفاده از پست برای پخش نشریات رفقا می‌توانند بسته به شرایط و امکانات خود شیوه‌های دیگری را نیز بکار گیرند.

در استفاده از پست برای رساندن نشریات بدست توده‌ها، باید چند مسئله را در نظر گرفت:

الف) امر پخش نشریات از طریق پست

باید مرتباً صورت‌گیری، آدرس‌خانه‌ها کارگران و زحمتکشان را به تعدادی که امکانات شما اجازه ارسال منظم و مداوم نشریات به آنها را میدهد، مثلاً ۱۰۰،۵۰۰ و... آدرس انتخاب کنید و مرتباً به فواصل زمانی مشخص، اعلامیه، تراکت یا نشریات سازمانی را بوسیله پست به این آدرس‌ها بفرستید.

ب) نامه حاوی اعلامیه یا نشریه را هر بار از مناطق مختلف پستی ارسال دارید، آدرس فرستنده یک آدرس جعلی اما کاملاً باشد و ضمیر روی پاکت، با شماره مسئول برای پست‌شهری باشد و حجم نامه از حجم یک نامه معمولی بیشتر نباشد.

ج) در شهرها یا مناطقی که کوچک هستند، برای اینکه بالا رفتن حجم پست شهری، در مأموران رژیم ایجاد سوءظن نکند، می‌توانید به مناطق اطراف رفته، و نامه‌ها را از آنجا پست کنید.

د) در هر پاکت، با دقتی بگذارید ضمن نوشتن ساعات پخش و طول موجه‌های رادیو صدای فدائی، به ساکنین خانه توضیح دهید، این یکی از هزاران خانه‌ای است که بطور اتفاقی به آن نشریه ارسال می‌شود و از گیرنده نامه بخواهید، پس از خواندن نشریه با اعلامیه، آژیر از بسین خبرد و در اختیار دوستان و آشنایان خود قرار دهد، ضمناً در روی پاکت که آدرس گیرنده را می‌نویسید، از نوشتن نام ساکنین خانه، خودداری کنید. در این مورد می‌توان از مهارتی چون "خدمت‌دخترخانه هیزم" یا "پنر گرامیم" ... استفاده کرد.

ه) هفته‌های هوادار محلی علاوه بر استفاده از شیوه‌های گوناگون از جمله پست کردن، برای پخش نشریات، باید شمارنویسی منظم در محلات، و اماکن عمومی از قبیل اتوبوسها، کیوسکهای تلفن عمومی و... را در دستور کار خود قرار دهند. طول موج و ساعات پخش برنامه‌های رادیو صدای فدائی، بندهای برنامه سازمان، شمارهای سازمان برای خاتمه نشدن به جنگ و نبود بخشیدن به زندگی توده‌ها را بر در و دیوار محلات و اماکن عمومی بنویسند. توجه کنید برای اینکه شمارنویسی شما برد بیشتری داشته باشد، شمارها را کوتاه و به زبان ساده بنویسید، بطور مثال بجای شمارهای برتراری طبعی همگراشیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم که در زیر صفحات نشریه کارنوشته می‌شود می‌توانید به زبان ساده بنویسید: "سرگ

بر جنگ ارتجاعی، مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی" یا در کارخانه می‌توانید بنویسید: "در کمیته‌های کارخانه مشکل شویم". رفقای هوادار را در صورت انجام دقیق و مداوم امر توزیع نشریات و شمار نویسی، می‌توانید مطمئن باشید که این امر در تداوم خود، شبکه وسیعی از نیروهای سمیات را بوجود می‌آورد، که شمارهای سازمان و برنامه ما در میان آنها بگوشی جا افتاده و در لحظه بروز اعتراضات وسیع بوده‌ای، در نظرات و اعتراضات گیرنده آتی، می‌توان روی این شبکه انبوه حساب کرد.

رفقا! در دوران انقلابی کنونی، ضروری است شما انزویتان را در راه پیشبرد امر تبلیغ و ترویج حول برنامه و شمارهای انقلابی سازمان، شرکت در مبارزات کارگران و زحمتکشان و تشکیل کرون آژان، بکارگیرید، پس از غرده گساری بررهیزید. در هفته‌های هوادار مشکل شود، با همز آهنین و اراده فولادین، در مقابل مزدوران و عوامل سرکوب‌شناسی خود را حفظ کنید، و با کاربست دقیق رهنمودهای ارائه‌شده امر تبلیغ و ترویج سازماندهی مبارزه طبقاتی کارگران را پیش ببرید.

طرز ساختن دستگاه چاپ دستی و چگونه تکثیر با آن

تکثیر بوسیله چهار چوب دستی، شیوه ساده‌ای است که در همین سادگی و قایل - استفاده بودن برای عموم رفقا، از کیفیت و بازدهی نسبتاً خوبی برخوردار است. تهیه چهار چوب مغزج بسیار کمی دارد و استفاده از آن نیاز به هیچگونه تخصصی ندارد.

تکثیر با چهار چوب معمولاً توسط دو نفر انجام می‌گیرد اما یک نفر نیز می‌تواند به تنهایی این کار را انجام دهد. و در صورت تمرین قادر خواهید بود تیرازی بسین بامد تا هشتصد صفحه در ساعت چاپ و تکثیر نمایید.

وسایل مورد نیاز برای تکثیر بوسیله چهارچوب دستی به شرح زیر هستند:

الف- لوازم مورد نیاز ساختن چهارچوب دستی: ۱- چهار چوب چهارچوب تکثیر را برآشتی و با حداقل مغزج می‌توان تهیه نمود. چهارچوب تکثیر از دو قطعه فستق تشکیل شده که بوسیله لولا بیکدیگر متصل می‌شوند و مانند باز و بسته شدن کتابچه یا درب نسبت به هم عمل می‌کنند. قطعه اول یک صفحه صاف از کاغذ سفید است که بهتر است از جنس شویان باشد. این صفحه

رهشود به هوا داران

باید فراموش کرد که ۲۵ تا ۳۰ تا چریک باید
علاوه بر این بود، سطح بسوزن آن
است.

نقطه دوم، چهار چوب قاب ماسک است
که از چوب به قطر ۱ سانتیمتر و عرض
۲ سانتیمتر تهیه می شود و بعد از آن
قاب سفید رنگ ۲۲ تا ۲۴ سانتیمتر در ۲۲
سانتیمتر و چهار گوشه بزرگ، در سطح طوطی
آن ۲۲ تا ۲۴ سانتیمتر و در سطح عرض آن ۲۲
سانتیمتر می باشد، این چوب را بر اساس
میزان آن چهار چوبی تهیه نمود.

۱- لنگ: پس از تکمیل سطح چهار چوب
قاب ماسک، چهار چوبی که در مرکز آن
چوبی سفید که تهیه کرده ایم وصل می کنیم.
برای وصل کردن قاب به سطح چوبی سفید
بهر اینجهت لولا را با پیچ متصل می کنیم
در صورتیکه هر دو پیچ در برافشایی
قطعا در آوازم چاک کنیم، لنگ را به چوب
با چهار چوب واره ضایع.

۲- پارچه: بهترین نوع پارچه پشمی
قاب یا چهار چوب، پارچه سفید بافت
می باشد. این پارچه مرکب را از ماسک
در پشت برافشایی دور می بینیم
میرساند. این پارچه را باید فراموش
کنی بزرگتر از این پارچه چهار چوب
گرم تر است یا صاف یا پهن به چهار چوب
قاب ماسک وصل نمود، بطوریکه پس از
وصل شدن چهار چوب، پارچه روی ماسک
سطح قرار گیرد و آن مناسبت باشد. و
باید ماسک پس از وصل نمودن پارچه
چهار چوب، آن قسمتی از قاب که پارچه
به آن وصل شده، بطرف باقی و گسسته
داخل چهار چوب بطرف بالا باشد.

۳- لنگ و فلنگ: فلنگ در چوب سفید
تک گنجه را با پیچ می کنیم. بهترین نوع آن
فلنگی است که در گامی برای فلنگ کردن
تکی از آن استفاده می کنند. این فلنگ
فلنگ در فرونگاهای نیمه و در برافشایی
فرونگاه موجود است.

۴- لوازم مورد نیاز برای تکمیل
۱- کاغذ: مناسبترین کاغذ برای چسب
اطلبه و فراتر، کاغذ پلی گیس و راس
که در سطحهای ۲۵ تا ۳۰ سانتیمتر
لوازم ضروری فرونگاه موجود است.

۲- مرکب: مرکب پلی گیس در فرونگاه
معمول فلنگی و بکشایی در بازار موجود
است. مرکب پلی گیس ماسک بسیار
ولی بزرگتر و سیاه رنگ است. این نوع
مرکب در فرونگاهای ضایع ماسکهای

چاپ و برخی از لوازم ضروری فرونگاه
موجود است. باید توجه داشت که مرکب
ضایع و فلنگ باقی در حد فلنگ باقیست.
بهترین نوع مرکب برای چاپ ماسک، مرکب
گشایش (Gashay) می باشد.

۳- انگشیل: انگشیل در ماسک
فرونگاه چاپ بکار می رود. انگشیل ماسک
است که اینها اغلب روی آن ماسک
می کشند. انگشیل را می توان از
به نوع دیگر و انگشیل بومی، انگشیل
مورد استفاده ماسک، هر انگشیل
انگشیل مرواریدی.

۴- مرکب بومی: چهار چوب با انگشیل
بومی استفاده می شود. انگشیل بومی از
به نوع دیگر و انگشیل بومی، انگشیل
مورد استفاده ماسک، هر انگشیل
انگشیل مرواریدی. این نوع انگشیل
بومی از انگشیل بومی و انگشیل بومی
مورد استفاده ماسک، هر انگشیل
انگشیل مرواریدی. این نوع انگشیل
بومی از انگشیل بومی و انگشیل بومی
مورد استفاده ماسک، هر انگشیل
انگشیل مرواریدی.

۵- فلنگ انگشیل: برای پوشش روی
انگشیل باید از وسیله ای استفاده کرد
که بزرگ اول انگشیل را سوراخ کند برای
ایجاد فلنگهای بزرگ فلنگی ماسکهای
بزرگ و فلنگ و کوچک بود دارد که به
فلنگ انگشیل معروف است. در صورت
عدم دسترسی به فلنگ انگشیل بومی آن
بهر اینجهت از یک فلنگ بزرگ که در آن
شام شده باشد، استفاده کنید.

۶- ماسک سفید: در فرونگاه روی انگشیل
فلنگ بزرگتر فلنگ می سازیم ماسک
فلنگ فلنگ باید طوری باشد که ماسک را
سوراخ کند. اما فلنگ پارچه سفید، برای
اینکه ماسک شود، در سطحهای فلنگ کاغذ
است باید به نوع دیگر بر روی بزرگ و
چندین بزرگ بوم انگشیل ماسک شود. در
موقع فرونگاه بر روی انگشیل، بجز است
چهار چوب فلنگ بومی چسبیا پهن بر
روی فلنگ با سطح ماسک دیگری چسباند.
کاغذ ماسک.

۷- قاب: استفاده از قاب، مناسب
اینکه کیفیت کار را بالا ببرد. ماسک
می شود، فلنگ بزرگتر را به انگشیل
وارد آید. اما باید توجه داشت که ماسک
علاوه از قاب را از روی آن بر ماسک
در فلنگ بزرگ، کیفیت فلنگ بزرگ
انگشیل باقی می آید. فلنگ انگشیل
استفاده از قاب این است که برای چاپ
مکالم چاپ کردن کاغذ ماسکهای

می شود، برای جلوگیری از بیرون رفتن
مدای قاب، می توان با روشن کردن
سطح ماسک را با راس، ماسک از این امر شد.

۸- فلنگون: فلنگون الگو باعث کشش
است که در وسط آن، حروف الفبای بسته
مورد نیاز است. استفاده از فلنگون نوشته
شده است و آن برای ماسکهای فرست
بافتی اغلب با چراغ استفاده می شود.
فلنگ: فلنگ ماسکهای استفاده می کنند
بهر اینجهت که ماسکهای فلنگی که
بهر اینجهت که ماسکهای فلنگی که
بهر اینجهت که ماسکهای فلنگی که
بهر اینجهت که ماسکهای فلنگی که
بهر اینجهت که ماسکهای فلنگی که
بهر اینجهت که ماسکهای فلنگی که
بهر اینجهت که ماسکهای فلنگی که
بهر اینجهت که ماسکهای فلنگی که

۹- فلنگ چهار چوب: وسایل لازم آماده
شده، ماسکهای فلنگی با چراغ را که
در روی انگشیل ماسک کرده اند، چسب
کنند.

۱۰- برای چاپ، ابتدا مقداری مرکب
روی پارچه بریزید و سپس آنرا با انگشیل
فلنگی همه جای پارچه ماسک کنید.
حال طرف دیگر ماسک انگشیل را به پارچه
چسباند و بوسیله فلنگ چسب، به اطراف
چهار چوب قاب ماسک محکم کنید. ماسک
در بزرگ طوطی و کاربن را از انگشیل
چسباند. کاغذ پلی گیس را بر روی
شده سطح فلنگ ماسک، چهار چوب را
بسته و فلنگ را چند بار بطوریکه خواست
بر روی پارچه به حرکت آورید. حال
اگر چهار چوب را باز کنید، ماسک چسب
شده آماده است. فلنگ بردارید و کاغذ
دیگری بجای آن بگذارید. فلنگ بزرگ
کاغذ انگشیل ماسک بر روی کاغذ پلی گیس
قرار گیرد، پس از چاپ فلنگ، ماسکهای
چاپ شده را ابتدا روی هم قرار دهید تا
فلنگ شود. برای چاپ ماسکهای که بیش
از یک ماسک هستند، ابتدا فلنگ اول را
چاپ کنید، سپس انگشیل را ماسک کرده
و چاپ ماسک دوم را بر پشت فلنگ اول انجام
دهید.

۱۱- برای اینکه عمل کاغذ گذاری بر روی
چهار چوب، سریعتر انجام گیرد، ابتدا
کاغذ پلی گیس را با دست آورید، اطراف آن را
بوسیله فلنگ چسب ماسک کنید و در هر بار
بسته کردن، کاغذ را در همان گذاری که
بسته آورده اند، قرار دهید.
نکته مهم: برای تهیه کاغذ، مرکب
و دیگر لوازم مورد نیاز، با رعایت
مسائل امنیتی و بعضی مسائل، اقدام
کنند.



هیچ سیاست اقتصادی مشخص باشد، چه آنکه برنامه‌های بلند مدت و میان مدت داشته باشد. بران حکومت نیز موافقی گشته باشد. سیاستی، به گوشه‌هایی از این ناخوانسی و بی برنامگی رژیم اشاره کرده‌اند. ذکر گوشه‌هایی از این ناخوانسی آشوب از زبان بانگی که خود برنامه ریز بلند مدت است و میان مدت کابینه بوده است، به خوبی معنی درماندگی رژیم را در تبدیل بحرآن و اشکاف سیاسی مشخصی نشان می‌دهد. بانگی می‌گوید: "ما الان نهادیم شوریه‌های توسعه اقتصادی و جهت‌های آسانی چیست. مسأله هنوز در مورد دامنه فعالیت بخش خصوصی و تعاونی و دولتی هنوز به یک جمعیت مشخصی نرسیده... اگر هم بگویم وزارتخانه‌های یک بخش‌های داده و در جایی یک کاری کرده است معلوم نیست در آنها بی‌بیمبسی بی‌شورای نگهبان که می‌رود به نتیجه برسد... فرض کنید ما تصمیم سیاست‌ها را هر ماهی را که بخوانیم این سیاستها را اصلاح کنیم چیست بالاخره این امرها میسرود قبول می‌شود قرار می‌گیرد می توانیم استفاده کنیم و اعمال ناطیم یا بسا ارزهای اسلامی مان مفایرت" (کیهان ۶۳/۲/۱). حال تصمیم برمی آید از مسأله‌ای که بانگی از آنها بعنوان مشکلات اقتصادی نام می‌برد بجهت خود می‌گوید: "ساله‌ای که ما الان سخت‌ترین گریبان آن هستیم و واقعاً خیلی مشکل داریم این نظام بانگی است. مسأله دیگر این است که قسط‌اندازی، عدالت‌اندازی و توزیع چیست. ساله‌ای که سخت‌ترین آن تصمیم و خواندیم چیزی که مورد قبول است تهیه کنیم مسأله توزیع کالا در ملکیت است" وی از این نوع مشکلات در عین حال خورم، صنایع و مالیات‌ها و غیره را نیز برمی‌شمارد، و اذعان میکند که "ملکرها نشان داده که این ناخوانسی‌ها بیشتر از اندازه‌ای است که ما فکر می‌کردیم. و نهایتاً خیلی از مسأله‌ای که در سال ۶۰ داشتیم هنوز که هنوزها با بجا است و جواب مشخصی داده نشده است."

مطابق این اظهارات بانگی و تطبیق نسبت وزیر در مجلس به هنگام معرفی کابینه، ماهیت عملکرد آنها مشخص نیست وزیر را بیشتر آشکار می‌کنند. البته بحران موجود و ایجاد آن بر گسی پوشیده نیست. چه بران حکومت به آن

ترازنامه ورشکستگی

اذعان بکنند و با ننگنه، آمارهای رسمی رژیم نیز با وجود تمام دستکاریها و تعدیلهای مملکت‌گرایانه نشانگر عقب‌ماندگی و ضلالت دولت‌های چهار سال گذشته است. ضلالت بودجه دولت که متعجب کننده است. متعجب ترین عملکرد اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی است خود بی‌انگیزا خوانسی رژیم در تحصیل بحران اقتصادی می‌باشد. طی چهار سال گذشته، توانایی بودن و غیر قابل پیش‌بینی بودن مسزآن درآمدهای دولت که بطور متوسط پیش از انقلاب از طریق درآمدهای نفتی و مالیاتی تامین شده است، بیرواقعی بودن و بی‌فرواشی سیاستهای اقتصادی دولت و عملکرد آن را روشن می‌سازد. بی‌بیمبسی حال گذشته به هنگام دفاع از لایحه بودجه سال ۶۲ به منظور تهیه "بازرسیهای" برنامچه دولتی به مسأله عدم تحقق درآمدها و از جمله درآمدهای نفتی اشاره کرد و گفت: "در دو سال گذشته، بلاطروا بستگی بودجه کشور به درآمدهای نفتی، متعجب درآمدهای دولت به فراز و نشیبهای مربوط به اوضاع سیاسی اثر گذار بر بخش حرکت نفت کشور در طبع فارس و سیاه‌تخت بی‌بیمبسی داشته و بازار نفت آهسته ترین وضع را در دو سال گذشته متعجبانه بخود دیده است، بطوریکه امکان صدور نفت ما در هر روز بین ۲۰۰ هزار تنگتنه تا ۲ میلیون تنگتنه در نوبت بوده است." این نشان موسوی مربوط به دوره است که هنوز بحران تا نسبتاً نفتی جزئی‌تره خاک نیز شروع شده بود. اما با توجه به اثرات این بیماریها بعنوان مسر گسترش نوسانات صادرات نفت و عدم تحقق میزان پیش‌بینی شده درآمدهای ارزی حاصل از صدور نفت می‌بود. بر اساس آمارهای رسمی رژیم، طی سالهای ۵۹ میزان درآمدهای ارزی نفتی بطور متوسط فقط ۶۰٪ میزان پیش‌بینی شده بوده است. با توجه به اینکه این رقم مربوط به دوره قبل از جنگ نفت‌کشها است، می‌توان وضعیت و حجم درآمدهای ارزی را تقریباً گزونی کاملاً حس‌زد و اثرات آنرا بر کل اقتصاد سنجید. بعنوان مثال در حالیکه تلف اعتبارات ارزی کارخانجات کشور گسی از محل درآمدهای نفتی تامین می‌شود در

سال ۶۲ رقم حدود ۲ میلیارد دلار بود در سال ۶۳ نیز ۲/۲ میلیارد دلار تقلیل یافت. این تقلیل در حالی صورت پذیرفته که حداقل ارز مورد نیاز از این بخش از صنایع یالانده حدود ۲ میلیارد دلار می‌باشد. عدم تامین ارز مورد نیاز صنایع گسی شده‌ای به واردات مواد اولیه و اذعان می‌شود و ماشین آلات وابسته‌اند، بیاتر رکود در این بخش می‌باشد و تقلیل میزان ارز مورد نیاز بر دامنه رکود در بخش صنایع افزوده است.

رکن دوم درآمدهای دولت بخش مالیاتها و مالیات‌های غیر پیش‌بینی شده است. اولاً میزان درآمدهای مالیاتی پیش‌بینی شده قابل وصول نخواهد بود. لذا میزان کمبود و موسی مستقیماً بر میزان گسی بودجه دولت افزوده شده است، که خود اثرات توری داشته است. ثانیاً وصول مالیاتها نسبت به جهت توزیع عادلانه در آمدنها حتی با تلاشهای بی‌وزواشی نبوده بلکه کلاً روشی متعصبانه بوده است. اصولاً بافت و ترکیب مالیاتها به گونه‌ای بوده است که فشار آن مستقیماً و بلافاصله بر وضعیت معیشتی کارگران و رزنتها منتقل گردیده است. مالیاتهای غیر مستقیم که بخش عمده از درآمدهای مالیاتی را تشکیل میدهد، مستقیماً بر قیمت کالاها متعصب می‌شود. اما مالیاتهای مستقیم نیز به گونه‌ای بوده است که فقط مالیاتهای مستقیم کارگران و کارمندان قابل نیست تحقق داشته است. سایر اقلام مالیات بر درآمد اولاً میزانش غیر قابل تحقق بوده است. بعنوان مثال در حالیکه در سال ۶۲ از مشاغل فقط ۲۲ میلیارد ریال مالیات گرفته شد از کارگران و کارمندان ۵۹ میلیارد ریال مالیات وصول شد. ثانیاً نحوه وصول این بخش از مالیاتها که بر اساس فراشی ثابت وصول شده است، ضلالتها نشانده مالیاتهای غیر مستقیم داشته است بطوریکه نحوه وصول مالیات بر درآمد بگونه‌ای بوده که با مستقیماً بر قیمت کالاها منتقل شده است و با با محدود کردن حوزه عمل پاره‌ای از مشاغل خرده پا، به گسترش بازار سیاه دامن زده است. در همین مورد رئیس اتحادیه مشغولات نفت سوز می‌گوید: "اتحادیه موفق شده است واحدهای نفتی خود را تحت فشار قرار دهد. به همین دلیل ماهانه ۵۰ هزار ریال

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

ترازنامه ورشکستگی

درآمد برای آنان قائل شده است. در حالیکه بیش از ده هزار ریال به دولت مالیات و عوارض شهرداری می پردازند و خواه ناخواه اگر این روند ادامه پیدا کند اعضای این صنف ناگزیرند برای امرار معاش به بازار سیاه روی آورند (کیهان ۹ آبان ۶۲). سیستم اغصب مالیات بر اساس فزایش ثابت که در فوق به آن اشاره شد، هر چند از لحاظ رسمی در حیطه مالیاتهای مستقیم می گنجد، اما عملاً نقش و عملکرد مالیاتهای غیرمستقیم را دارد. نتیجه مستقیم اعمال این سیاست مالیاتی، از یکسو راه گریزی برای سرمایه داران بوده که از پرداخت مالیات خودداری کرده و با مبلغ آنرا به شتاب یکی از اقلام هزینه های خود مصوب کرده و مستقیماً بر قیمت کالاها افزوده اند و از سوی دیگر فشار طاقنت فرسایشی را بر کارگران و زحمتکشان تحمیل کرده است. بهر حال، طی این مدت، اولاً قابلیت وصول مالیاتها مشخص نبوده است. مثلاً از میزان مالیات مصوب سال ۶۲ که برابر با ۷۲۰ میلیارد ریال بوده است حدود ۴۸۰ میلیارد ریال وصول گردید. درصد میزان وصول مالیات در سالهای دیگر نیز در همین حدود بوده است. میزان کمبود وصولی مالیات بر میزان کسر بودجه افزوده است و از آنجا که کسر بودجه عمدتاً از طریق سیستم بائگی تامین اعتبار میگردد، لذا اثرات مستقیم تورمی داشته است. ثانیاً سنگینی بار مالیاتهای غیر مستقیم اساساً بر دوش کارگران و زحمتکشان بوده و هر افزایشی در میزان آن، افزایش قیمت رطبی چند سال اخیر بدنبال داشته است. و بالاخره اینکه بیشترین میزان مالیاتهای مستقیم را کارگران و کارمندان پرداخته اند و مالیات بر درآمد مشاغل در حقیقت عملکردی همچون مالیاتهای غیر مستقیم داشته است.

طی این مدت، عدم تحقق درآمدهای پیش بینی شده و هزینه های دائم التزاید دستگاه بوروکراتیک - نظامی، میزان کسری بودجه را از میزانی که در بودجه های تصویبی پیش بینی شده بود بسیار فزاینده کرده است. کسر بودجه مصوب سال ۶۱ که برابر با ۴۰۰ میلیارد ریال تخمین زده میشد، به رقی در حدود ۹۹۸ میلیارد ریال رسید. سال ۶۲ نیز وضع به همین منوال بوده است. کسر بودجه مصوب این سال که مبلغ ۶۸۰ میلیارد ریال بود، عملاً به بیش از ۱۰۰۰ میلیارد ریال بالغ گردید. با توجه به اینکه بطور متوسط

فربه به ۳۸۰ کسر بودجه از طریق اعتبارات بانکی تامین گردیده است. می توان بر نقش تورم زایی بودجه پی برد. یکی از دلایل اصلی افزایش نقدینگی طی سالهای گذشته، تراکم کسر بودجه دولت بوده است. بطوریکه طی سالهای ۶۲-۵۷، میزان نقدینگی ۳۲۸۲ افزایش داشته است. این میزان افزایش نقدینگی با کاهش میزان ۳۳۳ ذخیره داخلی ناخالص داخلی همزمان بوده است. این دو رقم خود به تنهایی ایجاد بحران رکود تورمی موجود را آشکار می سازد. با این وجود هر چند، کاهش تولید ناخالص داخلی مملکت همسایه همین درجه بحران اقتصادی است، اما ایجاد و عاقبت بار وضعیت اقتصادی زماشی بیشتر آشکار می شود که سهم بخشهای اصلی اقتصاد در تولید ناخالص داخلی نیز بحساب آید. بر اساس آمارهای دولتی، سهم بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی طی مدت مورد بحث بقدرت رو به افزایش بوده است. بعنوان مثال در سال ۶۱، سهم بخش خدمات به ۳۹٪ افزایش یافته است. تولید ناخالص داخلی در سال ۶۲ نیز در حدود همین میزان باقی ماند. سهم بسیار بالای بخش خدمات نشانگر رکود در بخش صنایع و حاکمیت اقتصاد دلالی بر جامعه بوده است. سیاستهای اقتصادی دولت در جهت "تعمیل بحران" که عملاً به بحران دامن زده، بر ایجاد تورم و رکود افزوده و دانسته بیکاری را بویژه در بخش اشتغال مولد گسترش داده، فقط مربوط به سیاستهای پولی و مالیاتی نبوده بلکه مربوط به ترکیب هزینه های دولت نیز بوده است. طی این مدت برضاً از هزینه های عمرانی کاسته شده و به هزینه های جاری المیزود گردیده است. هر چند اکثر هزینه های عمرانی رژیم نیز در چارچوب هزینه های جاری قرار دارد، لیکن حتی بر اساس تقسیم بندی رسمی موجود نیز بخش عمده ای از اعتبارات مملکت دولت را درگ کرده. نسبت هزینه های عمرانی به هزینه های جاری که در سال ۵۸ برابر با ۳۶٪ بود، در سال ۶۲ به ۳۴٪ و در سال ۶۳ به ۳۰٪ کاهش یافته است. در سال ۶۲ نیز در حالیکه ۸۰ میلیارد ریال از هزینه های عمرانی کاسته شده حدود ۷۸ میلیارد ریال به هزینه های جاری افزوده گردیده است. البته این نسبتها و ارقام فقط میزان مصوب هزینه های عمرانی

را منعکس می کنند. در عمل، طی چندین سال گذشته، در حالیکه در هرسال چندین دهه هزینه های جاری و عمدتاً هزینه های مربوط به سرکوب ترسیم گردیده است، بطور متوسط فقط ۳۶٪ از هزینه های عمرانی جذب شده است.

دستگاههای متعدد سرکوبگر رژیم هزاره مقدار معتنابهی از هزینه های جاری را می بلند و این امر فقط مربوط به جنگ نبوده بلکه از سیستم بوروکراتیک نظامی رژیم حاکم نیز سرچشمه می گیرد. میزان بودجه این دستگاهها بطور مشخص قابل محاسب نیست، چرا که بسیاری از اقلام بخش نظامی در سایر بخشهای بودجه ادغام شده و پنهان شده گردیده است. با این وجود آمارهای رسمی حاکی از شایع عمومی از این بخش را می تواند تصویر کننده. هزینه های نظامی که در سال ۵۹ برابر با ۶۲۰ میلیارد ریال بود، در سالهای ۶۲ و ۶۳ به ترتیب به ۱۲۱۱ و ۱۳۰۴ میلیارد ریال افزایش یافت. نسبت هزینه های نظامی به کل هزینه های جاری در سال ۶۲ و ۶۳ به ترتیب بالغ بر ۲۸٪ و ۳۲٪ شد. میزان بالای هزینه های نظامی و سهم مرتباً کاهشی یافته هزینه های عمرانی همسایه نیست جز بیان افزایش نفیسی گری رژیم، افزایش اشتغال غیر مولد، همراه با کاهش اشتغال مولد و محدود شدن امکانات بخشهای مولد اقتصاد.

بدین ترتیب طی این مدت، مجموعه عملکرد دولت مستقیم و غیر مستقیم در جهت افزایش بحران بوده است. هر "سیاست" اقتصادی که در جهت "تعمیل بحران" تدوین شده، در عمل به حد خود تبدیل گردیده و در خدمت تداوم بحران در آمده است. در حقیقت آنچه که عملاً جریسان داشته فقدهان سیاست اقتصادی مشخص نبوده است. سیاستهای مختلف اقتصادی جناحهای حکومتی بکنیگر را غنشی کرده و آنچه که عملاً جریان داشته است هرج و مرج اقتصادی بوده است. بر بستر بحران انقلابی که زمینه هرگونه تشبیهی را از رژیم گرفته است، این تنها تلاقی سیاستهای اقتصادی جناحهای گوناگون نیست که بر آینه های هرج و مرج می انجامد، بلکه بر بستر بحران و هرج و مرج حتی جریانیهای مشخصی درون هیات حاکمه نیز ملزم به پیشبرد سیاستهای متناقضند.

از این رو تراز نامه چهارساله گذشته نه فقط مربوط به کابینه که تراز نامه رژیم جمهوری اسلامی است. ساله بر سر



سالگرد انقلاب کمپیر ...

پرولتاریا و مازامانیافتگی و گذراندن یک دوره مبارزه سخت و پرنواز و نشیب و هم به لحاظ پوسیدگی و از هم پاشیدگی حکومت تزاری ، شرایط سرعت بفر یک موقعیت انقلابی به پیش میرفت . اتحاد مناسبتترین تاکتیکها در جریان جنگ امپریالیستی یعنی طرح شعار تبدیل جنگ ارتجاعی به جنگ داخلی از سوی حزب پرولتاریا یعنی حزب بلشویک و پذیرش آن از سوی توده های میلیونی و روی آوردی توده ها به قسام سراسری ، انقلاب نو ربه را بشمار رساند و علیرغم آنهمه شورانگیزگی و روحیه مبارزاتی توده ها ، پرولتاریای روسیه نتوانست قدرت را بجا بماند و قدرت حاکمه بدست بورژوازی افتاد . زیرا هنوز نفوذ گرایشات بورژوازی و خرده بورژوازی در صفوف پرولتاریا ، بسیاری از شوراهای کارگری را به شکستن به رهبری بورژوازی واداشتند . گرچه انقلاب اول روسیه ، غرائضات دوران فئودالی را از ذهن توده ها زدود ، انقلاب دوم پرولتاریای روسیه را آندیده تر کرد ، ماهیت ارتجاعی بورژوازی را به بهترین وجه به طبقه کارگر و عموم توده های مردم شناساند ، گرایشات خرده بورژوازی را از صفوف پرولتاریا تعقیب کرد و رسالت این طبقه تازه انقلابی و نقش دورانی آن را به عنوان نشان داد و ثابت گردید که هرگاه بورژوازی در عمرا امپریالیسم در راس قدرت حاکمه قرار گیرد ، رسالتی جز حفظ و حراست از ارگانهای بورژوازی و ماشین دولتی کهنه و ارتش و بوروکراسی راندارد و قادر نیست هیچ گام عملی در جهت منافع توده ها بردارد .

طبقه کارگر روسیه با پشت سرگذا ردن دو انقلاب بیابای و کسب تجارب ارزشمنند در جریان یک مبارزه طبقاتی حاد و همه جانبه ویر فراز و نشیب ، سرانجام انقلاب کمپیر سوسیالیستی اکثریت را پیروز مندانه رهبری کرد و در هفتم نوامبر ۱۹۱۷ در حالی که تمامی توده های ستمدیده را به همراه داشت بورژوازی را از اریکه قدرت بزیر کشید و حکومت شوراهای را برقرار ساخت و دیکتاتوری طبقاتی خود را علیه طبقات ستمگرو ارتجاعی برقرار نمود و پایه های نظم سوسیالیستی را بنیاد نهاده های نظم کهنه و پوسیده سرمایه داری بی افکند . نظمی که اساس آن بر بنی مالکیت خصوصی بر وسائل تولید ،

بر انداختن استعمار و محو طبقات و تمامی بقایا و روسوبات نظام طبقاتی و ستمگریهای ناشی از جامعه سرمایه داری قرار دادند .

انقلاب سوسیالیستی اکثریت را برقراری دیکتاتوری پرولتاریا که در حکومت است شوراهای متجلی بود ، شالوده یگانه قدرت دولتی بود که تا آن زمان در تاریخ بجز در کمون پاریس هرگز بدیده دنیا نمانده بود دولتی که اساساً توسط کارگران و نیمه پرولتاریا تشکیل یافته بود .

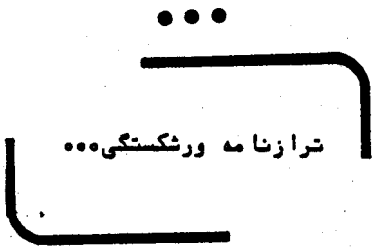
حکومت شوراهای برای عموم توده های دمگراسی پرولتاری را به ارمان آورد ، این آن دمگراسی بود که در آن هرگونه برتری مذهبی ، قومی و نژادی بکنی ملغی شد و حق تعیین سرنوشت برای ملیتهای تحت ستم را بر رسمیت شناخت و گسترده ترین آزادی و دمگراسی را برای توده های ستمدیده به ارمان آورد .

دیکتاتوری پرولتاریا با درهم شکستن ارتش و بوروکراسی ، آن تشکیلات حکومتی را بی افکند که قوه مقننه و مجریه در سازمان شورائی دولت متجلی میشد و نزدیکترین پیوند را با توده های مردم برقرار ساخت .

اگر کمون پاریس نخستین گام را در راه برقراری دیکتاتوری پرولتاریا برداشت ، نظام شوراهای در اتحاد جماهیر شوروی ، اساس استقرار سوسیالیسم ، مهمترین گام عملی را در جهت متحقق ساختن نظام نوینی به پیش گذارد که برای اولین بار درجهت طبقات را محو میکرد ، استعمار را برمی چید و تمامی ستمگریهای جوامع طبقاتی را از میان بر میداشت و مسلم بود که چنین اقدامی بدون برقراری دیکتاتوری پرولتاریا و ریشه کن ساختن و درهم شکستن مقاومت استعمارگران از طریق برقراری دیکتاتوری علیه آنان هیچگاه قابل تحقق نبود . دیکتاتوری پرولتاریا آن ابزاری است که تاریخ ضرورت آن را جهت محو طبقات و برقراری سوسیالیسم به اثبات رسانده است . این واقمیت رانه تنها انقلاب اکثریت نشان داد بلکه تمامی انقلابات پس از آن انقلاب اکثریت بدون اعمال دیکتاتوری طبقه کارگر و زحمتکش ترین اقشار جامعه امکان تحقق نیافته است .

انقلاب اکثریت نشان داد که نه تنها دوران بورژوازی و رسالت این طبقه در حصولات اجتماعی بر سر رسیده است بلکه تمامی نهادهای بورژوازی نیز سبزی شده است و عصر نوینی یکی از مشخصه های سساروش برقراری نهادهای شورائی است و اعمال حاکمیت توده ها از طریق چنین نهادهائی قابل تحقق است .

شوراهای در انقلاب اکثریت هر چند برای اولین بار بنیاد به شکل مشخص اعمال دیکتاتوری پرولتاریا در این کشور ظهور کرد اما جنبش شورائی در اولین کشور شوراهای محدود نماند و در سراسر جهان جایگاه ویژه ای یافت . اگر پرولتاریای روسیه طی دو دهه مبارزه طبقاتی حساد و بی امان در عرصه های مختلف ایدئولوژیک سیاسی و تشکیلاتی رشد و تکامل یافت و انعکاس این رشد یافتگی در انقلابی پیروز مند به رهبری حزب بلشویک به استقرار سوسیالیسم و اولین حکومت سوسیالیستی در جهان انجامید ، اما حصار این انقلاب عظیم بر زمینه شرایط مبنی و مشخص عمر کنونی یعنی عمرا امپریالیسم و عمر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم ، عمر تلاطمات و انقلابات اجتماعی پرولتاریائی و انطباق آن با ویژگیهای مشخص هر کشوری در سبهای گرانقدری را به پرولتاریای جهانی داد . اکنون ۶۸ سال پس از انقلاب کمپیر سوسیالیستی اکثریت شاهد آنیم که در بسیاری از کشورهای جهان ، پرولتاریا در راس قدرت قرار دارد و سوسیالیسم در بسیاری از کشورهای جهان استقرار یافته است و در بسیاری دیگر از کشورها ، پرولتاریای متشکل و آگاه ، مبارزات بی امان خود را علیه نظم پوسیده و ستمگرانه سرمایه داری به پیش میبرد . این واقمیت ، یکبار دیگر مهترتایی است بر تحلیلهای لنین از مفهوم و مقوم عمر کنونی بعنوان عمر انقلابات پرولتاری و عمر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم .



تراز نامه ورشکستگی ...

کابینه موسوی نیست . کابینه موسوی با ولایتی با میر سلیم و با هر کابینه دیگری همگردهی جز این نمی توانست داشته باشد ساله بر سر کلیت رژیم است . ساله این است که تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی راه بر حل بحران باز می شود و تنها حکومت کارگران و زحمتکشسان میتواند بحران را در جهت پایان بخشیدن به فقر و سبه روزی توده ها حل کند

آرزوهای از وضعیت ...

اجتماعی که به جنبش "عموم خلقی" نام میبرد و خود را در نیروهای سیاسی بازتولید میکند، از جمله عواملی بودند که بر استقلال نسبی نیروهای سیاسی نسبت به طبقاتی که آنرا نمایندگی میکردند [و بنا بر این اساس می توان گفت نسبت به طبقاتی که گرایش به نمایندگی داشتند] می افزود. البته این شرایط اجتماعی هر چند گسترده نیروهای سیاسی را تحت تاثیر قرار میداد و حتی برخی از نمایندگان سیاسی بورژوازی را نیز تا پیش از "عموم خلقی" میسرند کارزار طبقاتی وارد میکرد، ولی تاثیر این شرایط اجتماعی بر استقلال نسبی (و حتی تا حدودی نسبی) نمایندگان سیاسی بورژوازی و خرده بورژوازی شدیدتر بود. علاوه بر این، انطباق نیروهای سیاسی بورژوازی بر طبقه شان به علت رسالتی که بر عهده دارند مستقیم تر و منجم تر بوده است. این امر نه فقط از این لحاظ است که بورژوازی بر منافع خود آگاهتر از سایر نیروهای اجتماعی بوده است، بلکه از این نظر نیز می باشد که اساسا نمایندگان سیاسی که باید حافظ منافع آتی و آنسی طبقه خود باشند، به نمایندگان نیاسی بورژوازی موقعیت مناسبتری می بخشند. منافع آتی و بورژوازی در یک دوره مشخص تاریخی بهم پیوسته است و اصولاً منافع آتی بورژوازی که نمایندگان سیاسی آن باید پاسداری باشند درجا و خوب همین نظم موجود و حفظ همین نظم موجود مستتر است. این عامل به علاوه سایر عواملی که قبلا ذکر شد آن زبینه ای است که نیروهای سیاسی بورژوازی را بر طبقه شان منطبق تر میسازد. برعکس مثلا در مسوره بورژوازی از آنجا که رابطه بین منافع آتی و آنهاش از جنبه مرامت و بلاواسطه می برخوردار نیست و اصولا منافع آتی بورژوازی درگرو برانداختن نظم بر مابیه داری است، نسبه نمایندگی سیاسی اش پیچیدگی بیشتری می بخشد و تحت مجموعه شرایط اجتماعی که به آن اشاره شد استقلال نسبی نمایندگی سیاسی بورژوازی را افزایش میداد.

تداوم بحران انقلابی و تشدید مبارزه طبقاتی - پس از سال ۶۲ - هر چند طبقات و گروههای سیاسی را متخوش و تغییر

و دگرگونی کرده، لیکن تغییر و تحولات در نیروهای سیاسی و گروههای سیاسی مرامت از حدت و شدت بیشتری برخوردار بوده است. طی این دوران مرامت سیاسی بسیاری از عوامل که در آغاز جنبش جنبش خودمختاری به نمایندگان سیاسی استقلال نسبی بالایی میداد و تا حدودی تا وقتی تا همخوانیهای را در گروههای سیاسی میسر می شد، تغییر یافت و با مسو گرید و با بست شد. میکاتوری طوائسی مدت، در احوال برخوردار شده تا مسو و تا بود که مبارزه حاد طبقاتی اثرات میکاتوری را زایل ساخت. احزاب و گروهها - در احوال گوناگون - به فاصله کوتاهی جو جامعه را تغییر کردند. اساسا خود نیروهای سیاسی که گویا چهران حافظ را میگردند خود محور ملی درآمد که در احوال این دوره همراه با اثرات جنبش "عموم خلقی" تا حدودی و تا خواناکی گروههای سیاسی را خالصی شد و نامشروع شد. مبارزه طبقاتی همانگونه که طبقات را در جایگاههای خود مستقر میسازد، نیروهای سیاسی را پیش از پیش به تغییر و تحول می کشاند. دوران فروپاشی "وحدت عموم خلقی" با اشکالات متعدد در نیروهای سیاسی و تغییرات بی در گروههای سیاسی توأم بود. در حقیقت این فعل و انفعالات بازتابی بود از شکست شدن تا همگونی و تا خواناکی نیروهای سیاسی در جهت انطباق با طبقاتی که واقعا نمایندگی را بر عهده داشتند و در جهت کاهش استقلال نسبی نیروهای سیاسی و در جهت تجدید گروههای سیاسی سیاسی اساسی شکست طبقاتی.

سببیت نیروهای سیاسی و گروههای سیاسی در مقایسه با سایر طبقاتی نسبی طبقات واقعا اجتماعی - همانگونه که تجربه چندین سال گذشته نشان داده است - لزوم بازنگری مداوم و مکرر به گروههای سیاسی جهت اتخاذ تاکتیکها و دخالت انقلابی در جنبش خودمختاری را طلب می کند. اساسا گروههای سیاسی طبقاتی در یک دوره کامل از تحولات اجتماعی با برجا و برجا تقریبا با برجا می ماند. تنها در تحولات وسیع اجتماعی، طبقات و نقش و رسالت اجتماعی شان و مفروضات طبقاتی در انقلاب بطور جدی دگرگون می شوند. حال آنکه این شیوه تکرار نسبت به گروههای سیاسی سابق نیست. احزاب، سازمانها

و گروههای سیاسی در یک دوره مشخص میسر. هنوز بطور قطعی بر جایگاههای طبقاتی مشخصی استقرار نیافته اند و بورژوازی در مورد نیروهای سیاسی بورژوازی که بنا به فعلهای درونی در معرض نفوذ گسترده و بالفعل ایدئولوژی بورژوازی قرار دارند، می آنگاه نقش و رسالت طبقاتی نسبه نمایندگی شان میگردند و با می خواهند. خود متخوش تغییر میگردند. چه بنا بر این دلیل نیروهای سیاسی که منافع یک طبقه و یا قشری خاص بوده اند و با گرایش به چنین دفاعی داشته اند، طی یک دوره تحولی از آن طبقه و یا قشر گرفته شده و به مدافعین طبقه و یا قشر دیگری تبدیل شده اند. طی این دوره بورژوازی که خود را مدافع عموم خلقی و حتی در بسیاری از موارد نماینده سیاسی بورژوازی می خوانند، از تغییر و تحولات سیاسی را با تغییر و تحولات آزادیهای سیاسی و دیگرانی که به یمن جنبش انقلابی خودمختاری است آمده بود و به پایه مبارزه طبقاتی و جنبش عموم نسبی خصم می یافت، سبب گردید که برای دوره ای، سازمانها و احزاب مشخصه و گوناگونی پدیدار گردند. در حقیقت به علت نهادی نبودن مبارزه حزبی در ایران حتی سازمانها و احزاب مختلف بورژوازی نیز پایه مرجم نهادند (جنبش را میکیال، خلق سلمان، جاما و ...). اما در واقع جنبش "عموم خلقی" متشکل تولید و تولید میسرترین نیروهای سیاسی بود که به علت شرایط انقلابی جامعه و "جذابیت خود را در زمره جنبش کمونیستی میخوانند. انبوه نیروهای سیاسی که بازتابی از دوره خاص از مبارزه طبقاتی پس از براندادن میکاتوری انجام گرفته بود، خود بدنبال خصم مبارزه طبقاتی از گسترش کمی باز ایستاد و تحول به سمت انطباق با طبقه ای خاص آغاز گردید. دوره استحکام نیروهای سیاسی بر مبنای مشخصی طبقاتی، با جو بسیاری از آنها و بنا انشعاب و تجهیز در دیگر نیروها توأم بود. دوره وحدت و تجزیه در جنبش "کمونیستی" - پس از قیام بهمن ماه - و جهت گیریهای متفاوت بعدی هر یک از آنها نمونه ای از این پروسه تحولی بوده است. طبقه در طبع ۶۰

هرچه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

کمیته کارخانه و ...

سازماندهی کارگران در کمیته‌های کارخانه آغاز کرد. کمیته‌های کارخانه، کارخانه‌های رزمنده و جنگارجوی پرولتری هستند که باید در هر کارخانه و هر رشته تولیدی ایجاد گردند. اهمیت ایجاد کمیته‌های کارخانه در شرایط کنونی فاجدهای عظیم است که به یک معنا می‌توان گفت که بسا از طریق پیشقدمی در امر ایجاد این کمیته‌ها و نقش که در آنها ایفا خواهیم نمود قادریم بسبب زنجیر گلیه جوانان رویدادها را در مرصه تحولات سیاسی عمومی و جنبش کارگری در دست داشته باشیم. (نشریه کارخانه شماره ۱۶۸ چهارم خرداد ماه ۱۳۳۲) و یکبار دیگر در مقاله‌ای تحت عنوان "اکنون می‌توانیم راه کارگر" که به افشای مبدعانه اکونومیستی راه کارگر و مواضعی ابورتوتیستی اواز جمله احزاب فاسد و فرمستی راه کارگر اخصاص یافته بودیم ضرورت و اهمیت کمیته‌های کارخانه فاکتور گردیم و گفتیم: "سازمان ما باید در نظر گرفتن مجموعه وضعیت معینی جامعه ایجاد کمیته‌های کارخانه را که دربر گیرنده کلیه کارگزارانی است که خواهان مبارزه علیه رژیم است، بنشانی مناسبترین شکل تشکیل کارگران در شرایط کنونی وظیفه خود قرار داده است. این کمیته‌ها باید در مبارزه روزمره کارگران در شرکت‌ها فعال داشته باشند و بصورت ارگانهای مورد اعتماد بوده کارگر در آینده این کمیته‌ها می‌توانند و باید در آینده بسبب تشکلهای حقیقتاً توده‌ای کارگری تبدیل شوند. اگر روند عمومی اوضاع همچنان در جهت تشدید بحران پیش رود، این کمیته‌ها بنشانی ارگانهای اعیان و تمام بخشش انقلابی خود را ایفا خواهند نمود و چنانچه تغییر اوضاع سیاسی جامعه در جهت تثبیت رژیم و رکود جنبش پیش رود، در آن صورت تشکیکات توده‌ای کارگری از بدین همین کمیته‌ها فرا خواهند رویشد." (اکنون می‌توانیم راه کارگر - کار شماره ۱۸۷ - بهمن ماه ۳۲)

پس کمیته کارخانه آن شکل غیر حزبی کارگریست که با توجه به اوضاع سیاسی جامعه، چشم انداز تحولات آینده و سطح

کنونی جنبش کارگری، تشکیل مناسبی است که قادر است مبارزه انفرادی و سیاسی کارگران را سازماندهی کند. کمیته کارخانه باید تمام کارگزارانی را که علیه رژیم مبارزه میکنند، بر نظر از مصلحتات سیاسی و مذهبی و با وابستگی سیاسی سازمانی شان دربرگیرد.

کمیته کارخانه از آنجا که عمده‌ترین ارگان جنبش طبقه کارگر و هم یک ارگان فعالی است مستقیماً درگیر است. از این جهت باید برای برپا آوردن این کمیته کارگر مبارزه کند، و هم خواستهای سیاسی، بهیچانگه سطح جنبش کارگری و مطالبات آن در چه حد باشد می‌تواند وظایف مختلفی را در برابر خود قرار دهد و باره جنبش و مطالبات خود را در جهت مبارزه برای افزایش سطح مبارزه کارگران از اهرام، لنگر افکندگی مبارزه میکنند. کمیته کارخانه می‌تواند مبارزه کارگران را در این زمینه سازمان دهد، و تشکیل یابد. اگر کارگران طبقه فاجعه‌ناک و روشهای انجمنهای انقلابی و فعالیتات سیاسی و اجتماعی مبارزه برپا شده‌اند، کمیته کارخانه، مبارزه کارگران را در این زمینه نیز سازماندهی و تشکیل می‌دهد. اگر رفته رفته در مراحل رسیدن، که وظیفه کنترل تولید است در دستور کار قرار گرفت، کمیته کارخانه، این وظیفه را نیز بر عهده دارد. می‌تواند این وظیفه را نیز بر عهده دارد. بنا بر این اشکال پذیرد کمیته کارخانه و تحول پذیری آن حسب مکرده‌ها به حسب شرایط معینی وظایف مختلفی را در برابر خود قرار دهد و با رفته رفته تحول جنبش و مطالبات خود را بر عهده بگیرد. همچنانکه بر دامنه انقلاب جنبش افزوده میگردد و بحران زودتر می‌شود، کمیته کارخانه وظایف سیاسی مختلفی را در برابر خود قرار میدهد. هنگامیکه شرایط برای برپایی یک احزاب عمومی سیاسی توسط کارگران فراهم است، کمیته کارخانه وظیفه کمیته احزاب را عهده دار شود. از هنگامیکه موقعیت انقلابی کاملاً فراهم شد، باز هم وظایف دیگری را در برابر خود قرار دهد، و در پیوسته تحول خود را برپا آورد. باید در عین حال در ادامه مبارزاتی کمیته‌های کارخانه بجهت برپا آمدن

به یک لحظه از آستان مازول خبر خود بلکه تشدید مبارزاتی و تحول در همین شکل‌های ممکن کارگری نظیر کمیته‌های کارخانه هستند. فوراً از دل کمیته‌های کارخانه و احزاب و به هنگام اعیان عمومی سیاسی شکل خواهند گرفت. بنا بر این می‌توان گفت که کمیته‌های کارخانه همواره در مراحل مختلف تکامل خود وظایف مختلفی را بر عهده بگیرد، و حتی قسمت‌هایی را که مستقیماً انحصار را بر عهده می‌گیرد خود قرار دهد، با این وجود بنابر خصوصاتی که فوقاً در مورد کمیته‌های کارخانه ذکر کردیم، کارخانه‌های رزمنده و جنگارجوی پرولتری هستند. که از همان آغاز شکل‌گیری خود با تشکیلات طبقه‌ای توده‌ای در کارخانه‌ها و از توده به شکل سازمان این شرکت‌ها پیوسته رفته جنبش است، کمیته کارخانه که در آغاز تمام کارگران را دربرگیرنده و مؤسسه تولیدی تشکیل می‌دهد، با رفته رفته تحول جنبش تولیدی پیوسته تراستی می‌گردد و تحول آن به جریا با تشکیلات شرکت‌ها و دربرگیرنده در پیوسته خواهد داشت. اما این لفظ یک جنبش از تحول پذیری کمیته‌های کارخانه است جنبه‌ای که ممکن رفته بحران انقلابی و انقلابی شدن روز افزون شرایط است با ما اگر جهت‌گیری ما را دانسته است جنبش پیوسته گردید، از ایجاد بحرانها کاسته شد، و دوران رکود سیاسی حاکم گردید، باز هم کمیته‌های کارخانه‌ای که در دوران انقلابی در هر کارخانه و مؤسسه ارضیات برقرار گشته اند به تشکیلات تبدیل میگردد و تشکیلات می‌تواند از بدین همین کمیته‌ها فرا روند. در طبقه کمیته‌ها تشکیلاتی تشکیلاتی می‌تواند برپا شود. این هر دو حالت در عین حال که تحول پذیری کمیته‌های کارخانه را نشان میدهد، در عین حال تشکیلات انقلابی و کارگران آنها را نیز نشان میدهد. کمیته کارخانه تشکیلاتی باید باشد، بلکه در ادامه و سر تحولی خود به تشکیلاتی تبدیل خواهد شد. با توجه دیگر تشکیلاتی بنا بر این امروز وظیفه تشکیلات کمیته‌های کارخانه بصورت امری فاجعلی و فوری در دستور کار قرار می‌گیرد. طبقه در صفحه ۲۵

۴۰ ساعت کار، دو روز تعطیل در هفته حق مسلم کارگران است

مجا همدین خلق پیوسته خود را ...

همکاری با بورژوازی بین المللی و کلیه مترجمین جهانی را از جلب حمایت احزاب سیاسی، شخصیت ها و پارلمانهای اروپایی و آمریکایی آغاز نمودند، تا با جلب حمایت دولتهای امپریالیست و دولتهای مترجم کشورهای تحت سلطه و وابسته به فرجام برسانند.

آنها به منظور جلب حمایت و پشتیبانی دولتهای امپریالیست و بورژوازی نهماری بین المللی می بایستی گامهای همه جانبه ای به قیام بردارند. تنها قول شرف دادن و سوگند یاد کردن آنها به دفاع از نظام سرمایه داری "سرمایه داری و بازار ملی" "احترام به سرمایه گذاری" و "مقتضی نمودن مالکیت شخصی و خصوصی" کافی نبود. تنها دفاع آشکار از منافع بورژوازی و ارگانهای و نهادهای ماشین سرکوب و استثمار آن همچون ارتش و بوروکراسی و تشخیصی بی پرده و عریان با سازمانهای انقلابی

ارزیابی از وضعیت ...

تغییر موضع مجاهدین طی یک پروسه تحولی نمونه دیگری از این تغییرات به حساب می آید. بطور کلی، طی یک پروسه تحولی پس از قیام، تجدید گروه بندی در نیروهای سیاسی بورژوازی، تجزیه مداوم نیروهای سیاسی اقلیتها و تشویق و بالایش مدام در نمایندگان سیاسی پرولتاریا در صحنه نیروهای سیاسی تغییراتی را در پی داشته است.

اکنون می توان گفت که طی یک دوران پر فراز و نشیب پس از سال ۵۷، نیروهای سیاسی بیش از هر زمان دیگری به جایگاههای واقعی خود رانده شده اند و با سمت این جایگاهها مستگیری قطعی کرده اند. می توان گفت که یک دوره مشخص از مبارزه طبقاتی تقریباً سپری شده است. مشخصه اساسی مبارزه طبقاتی در این دوره تغییر و تحولات الزامی در انطباق واقعی (هر چند نسبی) نیروهای سیاسی بر طبقات و اقتضای اجتماعی و انطباق هر چه بیشتر گروه بندی های سیاسی بر گروه بندی های طبقاتی بوده است. اکنون دیگر نیروهای سیاسی بر اساس مجموعه ای از خط مشی، برنامه و تاکتیکهای خود به گروه بندی های سیاسی مراحث بیشتری بخشیده اند. اکنون با توجه به تغییر و تحولاتی که در موضع طبقاتی نیروهای سیاسی صورت گرفته

و کمونیست کافی نبود. آنها می بایستی در همه عرصه ها وفاداری و سرسپردگی شان را به بورژوازی و کلیه مترجمین بین المللی اثبات کنند.

تقویت پیوندها و مستحکم کردن مناسبات برادرانه و خالصانه با ارتجاع منطقه، از جمله شاه اردن نیز جزء دیگری از این سیاست برای نشان دادن وفاداری به امپریالیسم و ارتجاع جهانی بود. شاه اردن یکی از رسواترین و سرسپرده ترین کارگزاران و نوکران حلقه بگوشی امپریالیسم آمریکا در منطقه است و نه فقط دشمن سوگند خورده توده های مردم اردن بلکه کل منطقه است که تنها یک نمونه از جنایات بیشمار آن کشتار روزندگان فلسطین در سبتمبر سیاه می باشد. مجاهدین خلق اکنون بمرحله ای از رشد و تکامل درونی رسیده اند که پیوسته خود را با رژیم اردن مستحکم کنند، و افتخار ملاقات با شاه اردن را بدست آورند.

سازمان مجاهدین خلق که اینک تمام

است فروزی است که گروه بندی های سیاسی را بطور مشخص مورد ارزیابی قرار ندیم. بدین منظور گروه بندی های سیاسی را به بر اساس آنچه که نیروهای سیاسی خود برپا کرده و تا بلو هر نیرو، بلکه بر اساس مجموعه بهم پیوسته ای از خط مشی برنامه و تاکتیکهای هر نیرو بنا می کنیم.

ادامه دارد

* * *

کمیته کارخانه و ...

دارد و باید در همه جا ضرورت ایجاد کمیته های کارخانه را به منظور پیشبرد مبارزه متحد و متشکل پرولتاریا در میان کارگران تبلیغ کرد و گامهای عملی در جهت ایجاد این کمیته ها برداشت. بایست ضمن تسلط بر کلیه اشکال مبارزات سیاسی و سازمانی و اسلوبهای درست استفاده از آنها، به کمیته های کارخانه توجهی خاص مبذول داشت، اما هر چند که نمونه شکل گیری کمیته های کارخانه وابسته به شرایط مشخصی است، اما در لحظه کنونی که رژیم جمهوری اسلامی با توسل به دیکتاتوری عربیان و متان کمیته میگویند هر شکل کارگری را در نظره خفه کند،

امیدش را برای کسب قدرت به حمایت و پشتیبانی بورژوازی و لطف و مرحمت امپریالیسم بسته است، اکنون می بایست پیوندهای خود را با ارتجاع منطقه بنحو همه جانبه ای تقویت کنند و از حمایت و پشتیبانی ارتجاع منطقه نیز برخوردار باشد تا از یکسو مبنای مستحکم تری برای دست یابی به قدرت ایجاد کند و از نسوی دیگر حمایت امپریالیستها بویژه امپریالیسم آمریکا را هر چه بیشتر بدست آورد. ملاقات سمود رجوی با شاه اردن در خدمت چنین هدفی است.

اگر سال ۶۰ نقطه عطف نویینی در تحول سیاست داخلی مجاهدین محسوب می شود، ملاقات اخیر سمود رجوی با شاه اردن این پروسه تحولی را بفرجام میرساند. اکنون دیگر سیاست داخلی و خارجی مجاهدین خلق کاملاً بر یکدیگر منطبق گشته اند، و اجزاء تکمیل کننده یکدیگر در خدمت دفاع از منافع بورژوازی و نظم ارتجاعی - بوروکراتیک موجود می باشند.

* * *

کمیته کارخانه باید مخفی باشد. از اینرو در مراحل اولیه شکل گیری خود و در لحظه کنونی نمیتواند، همه کارگران را در بر گیرد، بلکه در آغاز با اینک سازمانها برپا شود کارگری شکل میگیرد که با شرکت فعال در مبارزه کارگران، سازمان دادن به مبارزه آنها و رهنمودهای عملی میگویند اعتماد و حمایت شده کارگران را به سوی خود جلب کند و طی یک روند به ارگانهای فراگیر توده ای تبدیل شود. خلاصه کنیم: امروز با توجه به مجموعه شرایط سیاسی حاکم بر ایران، سطح مبارزات و کیفیت جنبش کارگری سازماندهی کمیته های کارخانه و سازمان بخشیدن به مبارزات کارگران از طریق این کمیته ها امری حیاتی و مبرم است.

مبارزه میان دو خط مشی در جنبش کارگری همانگونه که در تمام عرصه ها تقابل خود را آشکارا بروز داده است، در زمینه شکل های غیر حزبی نیز خود را نشان داده است.

امثال راه کارگر، حزب توده و اکثریت که از فرم به جای انقلاب دفاع میکنند با طرح شعار اتحادیه مشابه بدین شکل در خواستهای انقلابی و محدود کردن مبارزه طبقه کارگریه دایره مناسبات موجود نشان میدهند که در این عرصه نیز مدافع خط اپورتونیستی - فرمبستی در جنبش است



گرامی باد یاد فدائی شید رفیق منصور اسکندری

ادامه داد و درجهت تدارک تسلیحات برای گروه نقش فعالی برعهده گرفت. دردی ماه سال ۱۳۵۲ توسط دژخیمان ساواک دستگیر و با تحمل شکنجه‌های قرون وسطائی به ۷ سال زندان محکوم شد.

زندان برای رفیق عرصه دیگری از مبارزه بود. برای کمونیستی که با آگاهی، راه پرولتاریا را برمیگزیند، هر لحظه از زندگی فرصتی است که باید آنرا بکنار گرفت. اگر چه این فرمتها زیرتازیه دژخیمان بسیار اندک باشد. چپتن بود که هم بندها را و رامینع انرژی و تلاش خستگی ناپذیر یافتند. او علاوه بر آنکه فعالیت درجهت مداوای زندانیان که در شرایط اسفبار زندانهای شاه با امراض مختلف روبرو بودند، می‌کوشید، نقش مهمی در سازماندهی نیروهای هوادار سازمان و آموزش آنها برعهده گرفت. رفیق اسکندری در تمام اعتراضات و سازماندهی حرکات اعتراضی درون زندان نقش فعالی داشت.

سال ۱۳۵۷. امواج توفنده انقلاب درهای زندانها را گشود و رفیق نیز با خلاصی از زندان عرصه وسیعتری را برای ادامه مبارزه دنبال کرد. پس از رهائی از زندان رفیق بلافاصله فعالیت خود را در ارتباط ارگانیک با سازمان ادامه داد. در نخستین روزهای پس از قیام در انتشار نشریه "کار" نقش مهمی ایفاء نمود و توأم با فعالیت در بخش کارگری سازمان، مقالاتی پیرامون جنبش کارگری نگاشت و نیز مسئولیت بخش گزارشات و اخبار نشریه کار را برعهده داشت. در این دوره رفیق بر روی ایده‌هایی صحنه میگذاشت که بعدها در پراکتیک محنت آن به اثبات رسید از جمله اینکه او بر ضرورت انتشار "کار" به عنوان یک نشریه سراسری و سازمانده پای می‌نشد و در مقابل اکتونومیستهای دیروز و خاشن اپورتونیست امروز (موسوم به اکثریت) که پیوسته سرگرم خرده کاری خود بودند و ادعا میکردند که انتشار نشریه در حد و توان مانیست ایستادگی کرد. در اکثر بحثهای نظری آن دوران که عرصه شیرد سستی بین گرایش پرولتاری و گرایش بورژوازی بود، موضع رفیق منصور

همواره صریح، قاطع، روشن و بدون ابهام بود. تعمیق مبارزه طبقاتی در سازمان نیز انعکاس یافته بود. خرده اختلافات کوچک روز بروز بزرگتر می‌شدند، اقلیت و اکثریت شکل می‌گرفتند رفیق مهرا ن جزء اولین رفقای بود که هسته اولیه رفقای اقلیت را تشکیل دادند.

پس از نشاء با رفیق به عضویت کمیته مرکزی سازمان در آمد و تا مدتی علاوه بر عضویت در تحریریه کار، مسئولیت کمیته کارگری سازمان را نیز برعهده دار بود. رفیق بنا شوری بی پایان به سازماندهی رفقای پزداخت که تشکیلات اپورتونیستی را در هم شکسته و می‌خواستند تشکیلاتی نوین را بنیان بدهند. سازمان در شرایط بی برنامگی حاکم بر جنبش کمونیستی و روی آوری روز افزون شده هواداران بسوی یگانه سازمان پرولتاری وظایف بس شترگی را به عهده گرفته بود. میبایست اپورتونیسم در جلوه‌های مختلف آن در جنبش کمونیستی افشاء و طرد می‌شد. می بایست تشکیلاتی آهنگین ایجاد میگردد. می بایست خط و برنامه تدوین می‌شد و دهها وظیفه خطیر دیگر. رفیق منصور دوش بدوش سایر رفقای کمیته مرکزی چون رفیق هادی، نظام، محسن و دیگران بار اصلی پشیردادن وظایف سنگین را به عهده داشتند. آنچه بیش از همه رفیق را رنج میداد، فقدان سیاست تشکیلاتی معین بود که خود را بصورت لیبرالیسم معان گسخته نشان میداد. در چنین شرایطی رفیق سلسله مقالاتی تحت عنوان "دمکراسی بدوی را نوشت که در "کار" درج گردید همچنین مجموعه مقالات دیگری بنام "سازمانهای دمکراتیک نوده‌ای" را برشته تحریر در آورد.

در اوائل سال ۶۰ با اوج گیری جنبش توده‌ای رفیق منصور مسئولیت کمیته اپالنتی تهران را به عهده گرفت و تمام همش را برای بزرگاری نخستین کنگره سازمان بکار برد اما یک هفته قبل از برگزاری کنگره به اسارت دژخیمان جمهوری اسلامی در آمد. رژیم با شناختی که از رفیق داشت و نیز با اطلاع از موقعیت تشکیلاتی وی تمام نیروی خود را بکار گرفت تا شاید او را به تسلیم وادارد. اما هرچه بیشتر آلات و ادوات شکنجه‌های وحشیانه‌اش را بکار گرفت بیشتر معلوم شد که این فرزند پاک

پرولتاریا هرگز اسرار سازمانش را برای دژخیمان تسلیم سرمایه فاش نخواهد ساخت. بدین ترتیب رفیق در زندان مسلسل ایستادگی و مقاومت کمونیستها در برابر مرتجعین گردید. مقاومت و حماسه آفرینی رفیق اسکندری در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی در میان زندانیان زبانزد همگان است. او تا آخرین لحظه زندگی اش به آرمان طبقه کارگر و سازمان مدافع آن وفا دار ماند.

رفیق منصور (مهرا ن) علاوه بر مقالات متعددی که در نشریه "کار" نوشته است در تدوین نوشته‌های تحلیلی و تئوریک سازمان فعالیت داشت و بخشی از نبرد خلق تحت عنوان سیاستهای اقتصادی ارگان سازش را تدوین نمود. آخرین نوشته رفیق که بصورت نیمه کاره باقی ماند و خطوط کلی آنرا سازمان به چاپ رسانده جزوه "مساله ارضی، جنبش دهقانان و سیاست ما" بود.

یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.

جاودان باد خاطره
شیدای آبانماه سازمان

مسعود شوقیان
هادی اشکافی

و رفیق منصور اسکندری
عضو کمیته مرکزی سازمان چریکهای
فدائی خلق ایران گرامی باد



زندانی سیاسی آزاد باید گردد

گرامی باد

یاد فدائی شهید ★

رفیق منصور اسکندری



دربنی از روزهای آبان ماه سال ۲۲ هجری
که دژخیمان بورژوازی نام رفیق منصور-
اسکندری تربقانی را از زندان گورهای بنسند
اطلام کردند. زندانیان با سکوتی پر معنی
به یکدیگر نگریدند چه، میدانستند این
فراخوانی برای شیرباران یک رفیق فدائی
است. جلادان بار دیگر، کمونیستی را به
مرگ محکوم کرده اند تا شاید بر بنسند
معکوسیت مرگ تاریخی نظم ارتجاعی خود
برده ساتری افکنند. تا شاید صدای زنگار
کلوله ها نفس را در سینه ها حبس کنند و
آنگاه بورژوازی همچون کرکان، بسر
غونهای ریخته شده پورش آورد و شاهمانه
نمره سردهد که روزی دیگر را بر مرنگین
خود افزوده است. رفیق منصور محکم
و استوار او را بر میخیزد با یک بسک
زندانیان هم بنید رویی میکند و با
گامهای استوار و با ایمان به پیروزی
کمونیسم روی میدان شیرباران میشتابد.
راستی چه پرشکوه است آرمان پرولتاریا
و چه زیباترین مرگی که خود را مکنای
نزدائی نو میگردد. لحظاتی بعد صدای
زنگار، فضای اوین را میخراشد. گنجشگان
سراسیمه از درختان پرواز میکنند. اسرها
در آسمان گرفته بختی در حرکتند.
زندانیان با جسمی زشت سر چهره
گریه شان، می گوشه هراسنان را از
کمونیسم بیوشانند و کمونیستها سرفراز
از اینکه آزمونی دیگر را با موفقیت
سپری کرده اند.

چنین بزد که سازمان رفیق دکتر منصور

اسکندری (مهران) عضو کمیته مرکزی خود
را از دست داد.

رفیق دکتر منصور اسکندری سال ۱۳۲۹ در
کاشمر بدنیا آمد. او در خانواده ای متوسط
زندگی میکرد که قطعه ای زمین در ده
تربقان داشتند و خود بر روی آن کار
میکردند. رفیق منصور از همان بدو کودکی
کار و درس را توأمان بکار گرفت زیرا
زندگیش او را با فقر و ستم روستایشان
آشنا ساخت از سوی دیگر کار کردن در وی
عملت سخت کوشی را پرورش میداد. رفیق
برای تحصیل دوره دبیرستان خانواده را
ترک کرد و راهی مشهد گردید. پس از اخذ
دیپلم در سال ۱۳۳۶ وارد دانشگاه پزشکی
دانشگاه تهران شد. روحیه مبارزه جویانه
او پیش از پیش او را بسوی مبارزه ای
جدی تر و آگاهانه تر علیه نظام
سرمایه داری سوق داد. رفیق مهران
فعالانه در فعالیتهای صنفی و سیاسی
دانشگاه شرکت داشت.

با آغاز مبارزه مسلحانه در سال ۲۹ و اسلام
موجودیت سازمان، رفیق اسکندری بسوی حفظ
سازمان روی آورد و در ارتباط با یکی از
رفقای سازمان قرار گرفت. در سال ۵۱
ارتباط او با سازمان قطع گردید اما
فعالیت خود را با یک گروه هوادار سازمان

بقیه در صفحه ۲۱

جاودان باد خاطره شهادی آبانماه سازمان

تاریخ مبارزه جنبش نوین کمونیستی
ایران سراسر آکنده از فداکاری
و از خود گذشتگی رفقای فدائی دلیری است
که با ایمان غلغل ناپذیر به کمونیسم و
رهائی بشریت متمسک شده از بیوغ سرمایه،
دلیرانه قتلیم کردند و با عزم پولادین
و بذل جان خویش در برابر شکنجه و
شهرباران رژیمهای شاه و جمهوری اسلامی
ایران به مبارزه برخاستند.

رفقای که با آفرینش حماسه های
جاودان، پرچم سرخ بر افشار سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران را در پیشاپیش
کارگران و زحمتکشان مبارز در رزم
سرنوشت سازان علیه سرمایه برافراشته
نگاهدانند. آبان ماه نیز همچون
ماههای دیگر سال یادآور خاطره شهادت
بی نظیر دهها رفیق فدائی است که در
بیکار خونین علیه ستم و استثمار و باطر
رهائی کارگران و زحمتکشان از بندگی
مزدوری با گرمی خون خویش آتش مبارزه را
شعله ورتر ساخته اند.

- باد رفیقان، فدائیان شهید
- محمد رضا چینی
 - سیروس سیمپوری
 - میدالرضا ماهگیر
 - مریم دژ آگاه
 - چشید دژ آگاه
 - محمد شریفی
 - داود نوری
 - مهران محمدی
 - داریوش مولوی
 - رحیم غدادی
 - مرتضی فخر طباطبائی
 - عثمان کریمی
 - علی اصغر غلامی
 - محمد چشم برهه
 - علی دبیری فرد
 - موشنگ والی زاده
 - علی ملعلی
 - مظفر قادری
 - علی جمیدی
 - رضا حسینی مستعان
 - جهان بخش ظنیانی
 - نصرت زشمی

بقیه در صفحه ۲۱

برای تبلیغ با
باشکلی زیرگاتبه کنید:

A.C.A.
B.P. 43
94120 Fontenay-sous-Bois
France.

رادبوسا زمان چریکهای فدائی
خلق ایران همه روزه از ساعت
۸/۳۰ الی ۹/۱۵ شب بروی موج
کوتاه، ردیفهای ۶۵ و ۷۵ متر
تکرار برتنا مه ۱۲/۳۰ بعد از ظهر
روز بعد

سرتنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمع - وری دمکراتیک خلق